

# قبر عذاب و خوشی آن

[القبر: عذابه و نعيمه]

تأليف:

حسين العوايشه

ترجمه:

إسحاق دبيري رحمته

عنوان کتاب:	قبر عذاب و خوشی آن
عنوان اصلی:	القبر: عذابه و نعيمه
تأليف:	حسين العوايشه
ترجمه:	إسحاق دبيري
موضوع:	معاد (حيات بعد از مرگ و قيامت)
نوبت انتشار:	اول (ديجيتال)
تاريخ انتشار:	آبان (عقرب) ۱۳۹۴ شمسی، ۱۴۳۶ هجری
منبع:	www.aqeedeh.com کتابخانه عقیده



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

[www.aqeedeh.com](http://www.aqeedeh.com)

[book@aqeedeh.com](mailto:book@aqeedeh.com)

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

[www.aqeedeh.com](http://www.aqeedeh.com)

[www.mowahedin.com](http://www.mowahedin.com)

[www.islamtxt.com](http://www.islamtxt.com)

[www.videofarsi.com](http://www.videofarsi.com)

[www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)

[www.zekr.tv](http://www.zekr.tv)

[www.sadaislam.com](http://www.sadaislam.com)

[www.mowahed.com](http://www.mowahed.com)



[contact@mowahedin.com](mailto:contact@mowahedin.com)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## فهرست مطالب

فهرست مطالب	أ.....
مقدمه مترجم	١ .....
مقدمه‌ی مؤلف	٣ .....
فصل اول: آنچه قبل از قبض روح رخ می‌دهد	٧ .....
متردد بودن خداوند در قبض روح مؤمن	٧ .....
حضور شیطان هنگام مرگ	٨ .....
فصل دوم: هنگام سكرات مرگ و خارج شدن روح از بدن انسان..	٩ .....
١- كافر در این لحظه می‌خواهد او را به دنیا باز گردانند،	٩ .....
٢- سكرات مرگ	١٠ .....
٣- هنگام مرگ ایمان كافر پذیرفته نمی‌شود	١٠ .....
فصل سوم: آنچه بعد از قبض روح انسان رخ می‌دهد	١٣ .....
فصل چهارم: عذاب جسمانی که گناهكاران در قبرشان می‌بینند	٤٣ .....
فصل پنجم: از گناهانی که گناهكاران در قبرشان بخاطر آن عذاب می‌بینند	٥١ .....
١- عذاب كسیكه قرآن را حفظ کرده و بعد آن را مردود دانسته و قبول نمی‌کند، و خوابیدن از نمازهای فرض پنجگانه:	٥١ .....

- ۲- عذاب دروغگو:..... ۵۱
- ۳- عذاب مردان و زنان زناکار و بی‌عفت:..... ۵۲
- ۴- عذاب ربا خواری و سود حرام:..... ۵۲
- ۵- عذاب کسیکه ادرار و پیشاب خود را تمیز و پاک نمی‌کند..... ۵۲
- ۶- زیاد شدن عذاب کافر در قبرش با گریه کردن خانواده و خویشاوندان برای او.  
..... ۵۳
- ۷- مرده در قبر بسبب گریه و زاری و شیون صدای بلند عذاب داده می‌شود.. ۵۳
- ۸- مرده در قبر بسبب بعضی از کلماتی که خانواده‌اش در باره او می‌گویند  
عذاب داده می‌شود..... ۵۳
- ۹- عذاب کسیکه سخن چینی می‌کند..... ۵۴

### فصل ششم: پیامبران علیهم‌السلام و زندگی برزخ ..... ۵۵

- ۱- خداوند فرشته‌ای نزد قبر رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم وکیل قرار داده است تا رسول  
الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را خبر دهد که چه کسی بر او درود می‌فرستد، و نام شخصی را که بر  
او صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم درود می‌فرستد ذکر کند. .... ۵۵
- ۲- زمین اجساد انبیاء و پیامبران را نمی‌خورد. .... ۵۵
- ۳- پیامبران در قبرهایشان زنده هستند..... ۵۶
- ۴- نماز پیامبران علیهم‌السلام در قبرهایشان..... ۵۶

### فصل هفتم: آنچه مرده بعد از وفات، از آن ثمره و ثواب و پاداش

- می‌برد ..... ۶۵
- ۱- نماز بر میت:..... ۶۵
- ۲- اُنس و اُلُفت گرفتن مرده به برادرش بعد از دفن، به اندازه کشتن شتری و  
تقسیم گوشت آن..... ۶۵

- ۳- بعد از دفن بلافاصله برای میت دعای مغفرت و ثبات بکنیم، ..... ۶۶
- ۴- صدقه جاریه‌ای که در زندگی خود وقتی در دنیا بوده انفاق کرده باشد، و علم و دانشی که به مردم یاد داده باشد، و فرزند صالح و نیکوکاری که برایش دعا کند. .... ۶۶
- ۵- صدقه‌ای که از طرف فرزند است..... ۶۶
- ۶- دعا و استغفار کردن تمامی مسلمانان برای مرده، ..... ۶۷
- ۷- زندگی در مرزهای اسلامی (سنگر) در راه خدا..... ۶۷
- فصل هشتم: آنچه سبب می‌شود، تا از عذاب قبر نجات یابد ..... ۶۹**
- ۱- شهید شدن در میدان جنگ ..... ۶۹
- ۲- مرزداری در سنگرهای جهاد: ..... ۶۹
- ۳- مردن بسبب مرض شکم: ..... ۷۰
- ۴- خواندن سوره تبارک: ..... ۷۰
- ۵- مردن شب یا روز جمعه: ..... ۷۱
- پایان: زندگی روزمره اسلامی ..... ۷۳**



## مقدمه مترجم

إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ نَحْمَدُهُ وَنَسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ، وَنَتُوبُ إِلَيْهِ، وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شُرُورِ  
أَنْفُسِنَا، وَمِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا، مَنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ، وَمَنْ يَضِلَّ فَلَا  
هَادِيَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ،  
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ وَمَنْ تَبِعَهُمْ بِإِحْسَانٍ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ. أما بعد:

رسول الله ﷺ به خداوند از عذاب قبر پناه خواستند، و امت خود را به آن امر کردند، چنانکه عبدالله بن عباس رضی الله عنه روایت می کند که رسول الله ﷺ به ما این دعا را می آموختند چنانکه سوره ای از قرآن می آموختند.

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ جَهَنَّمَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْمَسِيحِ الدَّجَالِ» [مسلم].  
«خدایا من از عذاب جهنم، و عذاب قبر، و فتنه زندگی و مرگ، و فتنه مسیح دجال  
بتو پناه می برم».

سلف و نیاکان اهل سنت و جماعت به عذاب قبر و خوشی آن ایمان کامل دارند، و کفار و ملحدین آن را انکار کرده و می گویند: اگر قبری را نبش کنیم چیزی از عذاب را در آن نخواهیم یافت.

در جواب گفته می شود: قرآن و سنت پیامبر ﷺ و اجماع سلف بر این عقیده اند که عذاب قبر و خوشی آن حق است.

و باید گفت که احوال آخرت با احوال دنیا مقایسه نمی شود، و عذاب و خوشی قبر مانند عذاب و خوشی دنیا احساس نمی شود.

عذاب قبر و خوشی آن در قرآن و سنت پیامبر ﷺ و اجماع اهل سنت و جماعت ثابت است چنانکه خداوند می‌فرماید: ﴿التَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ﴾ [غافر: ۴۶].

«عذاب آنها آتش است که هر صبح و شام بر آن عرضه می‌شوند؛ و روزی که قیامت برپا شود (می‌فرماید): «آل فرعون را در سخت‌ترین عذاب‌ها وارد کنید!»».

و فتنه قبر سؤال مرده از: معبود، دین، و پیامبر است، چنانکه خداوند می‌فرماید: ﴿يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ﴾ [ابراهيم: ۲۷].

«خداوند کسانی را که ایمان آوردند، به خاطر گفتار و اعتقاد ثابت‌شان، استوار می‌دارد؛ هم در این جهان، و هم در سرای دیگر!».

پس بخاطر اینکه عذاب قبر و خوشی آن از مسائل مهم عقیدتی است خواستیم این کتابچه که: «القبر: عذابه و نعیمه» «قبر: عذاب و خوشی آن» نام دارد و برادر محترم شیخ حسین العوایشه از برادران اردنی آن را نوشته و بیانگر عذاب و خوشی قبر با دلایل واضح از قرآن و سنت پیامبر ﷺ می‌باشد به برادران فارسی زبان امت اسلام تقدیم داریم، تا اینکه سرمشقی برای آنان باشد.

در پایان از خداوند بزرگ مسئلت داریم که آن را خالصاً برای رضا و خوشنودی خود قرار دهد.

وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین. وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وعلی آله

وصحبه أجمعین.

إسحاق دبیری



## مقدمه‌ی مؤلف

إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ نَحْمَدُهُ وَنَسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ، وَنَتُوبُ إِلَيْهِ، وَنَعُودُ بِاللَّهِ مِنْ شُرُورِ  
أَنْفُسِنَا، وَمِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا، مَنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ، وَمَنْ يَضِلَّ فَلَا  
هَادِيَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.

وبعد:

با دنبال کردن سلسله «بداية السالكين» خداوند متعال مرا موفق فرمود تا این کتاب: «قبر: عذاب و خوشی آن» را بنویسم و ضروری دانستم تا این معلومات را به برادران مسلمان خود تقدیم نمایم، زیرا «عذاب قبر و خوشی آن» از جمله موضوعاتی است که به عقیده تعلق داشته و باید مسلمان آن را بداند، پس با معرفت و دانستن ارکان ایمان، و عذاب قبر و خوشی آن، و عذاب آتش و خوشی بهشت؛ با دانستن این‌ها و ایمان داشتن به آن، آراستن باطن، که آراستن ظاهر بر آن مترتب می‌شود، و در آن سلوک و تربیت انسان مؤمن، و امن و امان او در جامعه، و همچنین در تمامی این دنیا خواهد بود، زیرا ما می‌دانیم که فساد مردم چه فرد و چه جامعه عدم و نابود بودن وازع دینی و آنچه که انسان را از آن فساد باز می‌دارد است، و از بزرگترین وازع دینی ایمان به خدای تعالی، و مراقبت او در سر و عین و در ظاهر و باطن، و ایمان به فرشتگان، و ایمان به قبر و آنچه در آن از خوشی و عذاب وجود دارد می‌باشد، و ایمان به بهشت و آتش جهنم، تا آخر آنچه انسان مؤمن باید به آنها ایمان آورد است.

و شخص مؤمن قبل از اینکه از او امری صادر شود چه قول و چه فعل آن را در ترازوی حق می‌گذارد، و آن را با تقوی و پرهیزگاری، و جهنم و بهشت و خوشی قبر و عذاب آن می‌سنجد، پس با اینحال هیچ چیز از مؤمن صادر نمی‌شود بجز اعمال و

کردار صالح و نیک، و اگر هم چیزی از بدی و آنچه خدا از آن راضی نیست از او رخ دهد، عذاب جهنم و قبر را بیاد خود می‌آورد و می‌بیند که این‌ها از بند کفش او، به او نزدیک‌ترند، پس هیچ چاره‌ای جز استغفار و توبه و انابه ندارد، و خداوند را استغفار کرده با گریه و زاری، و خشوع و خضوع بسوی او باز می‌گردد.

با این تصورات مسلمانان صدر اسلام جهان را در دست گرفتند، و با جهل و نادانی و ترک این چیزها، امت اسلام زیانکار و خسارت دیده شد.

سعادت و استقرار و امن و امان و خوشی را از دست داد، و محبت و دوستی و الفت بین جامعه اسلامی از بین رفت، جهاد در راه خدا را ترک کردند.

با همه این‌ها که گذشت دشمنان اسلام در جامعه اسلامی طمع ورزیدند و آنها را محاصره کردند، چنانکه گروهی از مردم بر صینی خوراک جمع شده آن را می‌خورند، پس چنان خسارت دیده شدند که جای صحبت نیست در حالیکه خسارت آخرت شدیدتر و بزرگتر است.

دین اسلام راه هدایت و نور است، و کسی که بخواهد آن را پی کند اسلام این راه را برایش روشن می‌گرداند، و این همان دینی است که برای امت محمدی راه را روشن می‌گرداند، و دلها را با هم جمع کرده الفت می‌دهد، دشمنی را از بین برده و سعادت و عزت و مجد را به آنان می‌بخشاید و همه این‌ها با تمسک و چنگ زدن به دین حقیقی اسلام خواهد بود.

در پایان ناگفته نماند که سپاس خود را برای کسانی که مرا در اخراج این کتاب یاری داده ثبت کنم، بخصوص شیخ و معلم فاضل من: الشیخ محمد ناصرالدین الألبانی که کتاب خود: (الترغیب والترهیب) قبل از اینکه بچاپ برسد در اختیار من گذاشت تا از آن استفاده ببرم، خداوند او را پاداش نیک دهد.

از خداوند متعال خواستارم تا این رساله را خالصانه برای رضا و خشنودی خود قرار دهد، و از من آن را قبول فرماید، و من و برادران مسلمان را از عذاب قبر و آتش

---

---

جهنم نجات دهد، و ما را با خوشی قبر و بهشت خرسند نماید، و از او عافیت و تندرستی در دنیا و آخرت مسئلت داریم، زیرا او قادر بر همه چیزهاست.



## فصل اول:

### آنچه قبل از قبض روح رخ می‌دهد

متردد بودن خداوند در قبض روح مؤمن.

از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَالَ: مَنْ عَادَى لِي وَلِيًّا فَقَدْ آذَنْتَهُ بِالْحَرْبِ، وَمَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ عَبْدِي بِشَيْءٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ، وَمَا يَزَالُ عَبْدِي يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالنَّوَافِلِ حَتَّى أَحْبَبَهُ، فَإِذَا أَحْبَبْتَهُ كُنْتُ سَمِعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ، وَبَصَرَهُ الَّذِي يَبْصُرُ بِهِ، وَيَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا، وَرِجْلَهُ الَّتِي يَمْشِي بِهَا، وَلَئِنْ سَأَلَنِي لِأَعْطِيَنَّهُ، وَلَئِنْ اسْتَعَاذَنِي لِأُعِيدَنَّهُ، وَمَا تَرَدَّدَتْ عَنْ شَيْءٍ أَنَا فَاعِلُهُ، تَرَدَّدِي عَنْ نَفْسِ عَبْدِ الْمُؤْمِنِ، يَكْرَهُ الْمَوْتَ، وَأَنَا أَكْرَهُ مَسَاعَتَهُ» [البخاری].

خداوند در حدیث قدسی می‌فرماید: کسیکه با دوست و ولی من دشمنی کند، من با اعلام جنگ می‌کنم، و بنده مؤمن با هیچ چیز محبوبی نزد من، بهتر از فرائض با من نزدیک نمی‌شود، و بنده من همیشه با انجام نوافل با من نزدیک می‌شود تا اینکه من او را دوست می‌دارم، هنگامیکه من او را دوست داشتم، من گوش او می‌شوم که با آن می‌شنود، و چشم او می‌شوم که با آن می‌بیند، و دستش می‌شوم که با آن می‌گیرد، و پایش می‌شوم که با آن راه می‌رود، و اگر چیزی از من بخواهد به او می‌دهم، و اگر پناه بخواهد به او پناه می‌دهم، و من در انجام هیچ کاری متردد نشدم! مگر در قبض روح بنده مؤمنم، که او مرگ را نمی‌پسندد، و من اساعت و بدی به او را نمی‌پسندم - در نتیجه متردد می‌شوم -.

### حضور شیطان هنگام مرگ:

شیطان تلاش می‌کند هنگام مرگ انسان حضور پیدا کند تا خاتمه انسان را با بدی، فسق و نافرمانی همراه نماید، همانطوریکه شیطان تلاش می‌نماید تا هنگام انجام همه اعمال حضور یابد - و انسان را دچار وسوسه کند - و دلیل این مطلب حدیث جابر رضی الله عنه است که گفت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «إِنَّ الشَّيْطَانَ يَحْضُرُ أَحَدَكُمْ عِنْدَ كُلِّ شَيْءٍ مِنْ شَأْنِهِ، حَتَّى يَحْضُرَهُ عِنْدَ طَعَامِهِ، فَإِذَا سَقَطَتْ مِنْ أَحَدِكُمُ اللَّقْمَةُ، فَلْيَمِطْ مَا كَانَ بِهَا مِنْ أَذَى ثُمَّ لِيَأْكُلْهَا وَلَا يَدْعُهَا لِلشَّيْطَانِ، فَإِذَا فَرِغَ فَلْيَلْعَقْ أَصَابِعَهُ، فَإِنَّهُ لَا يَدْرِي فِي أَيِّ طَعَامِهِ تَكُونُ الْبِرْكَةُ» [مسلم].

شیطان هنگام انجام هر کاری از کارهای شما حضور پیدا می‌کند بطوریکه حتی هنگام غذا خوردن حاضر می‌شود، پس اگر از دست شما لقمه غذا افتاد آنچه از آن ناپاک شده است دور کنید و بقیه آن را بخورید و آن را برای شیطان نگذارید، و هنگامیکه از خوردن غذا فارغ شدید، غذای انگشتان را با زبان تمیز کنید و بخورید زیرا هیچ کس نمی‌داند که در کدام قسمت غذا و خوردنی برکت وجود دارد.

## فصل دوم:

### هنگام سكرات مرگ و خارج شدن روح از بدن انسان

۱- كافر در این لحظه می خواهد او را به دنیا باز گردانند،

خداوند می فرماید: ﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ ﴿۹۹﴾  
لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِن وَرَائِهِم بَرْزَخٌ  
إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿۱۰۰﴾ [المؤمنون: ۹۹-۱۰۰].

«(آنها همچنان به راه غلط خود ادامه می دهند) تا زمانی که مرگ یکی از آنان فرا رسد، می گوید: «پروردگار من! مرا بازگردانید! شاید در آنچه ترک کردم (و کوتاهی نمودم) عمل صالحی انجام دهم!» (ولی به او می گویند: چنین نیست! این سخنی است که او به زبان می گوید (و اگر بازگردد، کارش همچون گذشته است!) و پشت سر آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته شوند!».

مفسر قرطبی گوید: می گویم: این سؤال خاص به کافران نیست، بلکه ممکن است مؤمن هم این سؤال را از خداوند بکند، همچنانکه در آخر سورة المنافقین ذکر شده است.

و این آیه دلالت می کند که هیچ فردی دنیا را ترک نمی گوید مگر اینکه می داند، آیا او از دوستان و اولیاء خداست، و یا از دشمنان اوست، و اگر چنین نبود سؤال نمی کردند که ما را به دنیا باز گردانید، پس قبل از اینکه طعم مرگ را بچشید حال خود را می دانید.

﴿لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا﴾ عبدالله بن عباس رضی الله عنهما می گوید: «مرا برگردان تا عمل نیک انجام دهم» یعنی گواهی لا إله إلا الله بدهم، و ایمان بیاورم.

﴿فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا﴾ یعنی: «آنچه بیهوده ضایع کرده از طاعت‌های خداوند، و به آن عمل نکرده‌ام» و در روایت دیگر: «آنچه از مال ترک کرده‌ام تا اینکه آن را صدقه دهم».

﴿كَلَّا﴾ این کلمه رد بر اوست، یعنی: اینچنین نیست که تو گمان می‌کنی که دعوت تو اجابت می‌شود و تو را به دنیا باز می‌گردانند، بلکه این کلمه‌ای است که او بر زبان می‌آورد.

﴿وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ﴾ تهدیدی از جانب خداوند است که جلو آنها زندگی و حیات برزخی وجود دارد، یعنی: زندگی در قبر که نه در دنیاست، و نه در آخرت، و این زندگی تا روز محشر ادامه دارد و برای کافران و فاسقان در قبر و عالم برزخ، تاریکی و عذاب است.

## ۲- سكرات مرگ

از عائشه رضی الله عنها روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «لا إله إلا الله إنَّ للموت لسكرات» [البخاری و أحمد].  
«نیست معبودی بحق مگر خدای یکتا، همانا برای مرگ سختی‌ها است».

## ۳- هنگام مرگ ایمان کافر پذیرفته نمی‌شود

از عبدالله بن عباس رضی الله عنهما روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «لَمَّا أُغْرِقَ اللهُ فرعون قال: آمَنْتُ أَنَّهُ لا إله إلا الذي آمَنْتُ به بنو إسرائيل، قال جبريل: يا محمد فلو رأيتني وأنا آخذ من حال البحر فأُدْسَه في فيه مخافة أن تدرکه الرحمة» [أحمد، الترمذی، صحیح الجامع حدیث ۵۰۸۲].

«وقتی خداوند فرعون را در دریا غرق می‌کرد فرعون گفت: ایمان آوردم که جز خدائی که بنو اسرائیل، یعنی: فرزندان اسرائیل، آن را می‌پرستیدند، خدایی دیگر



وجود ندارد، جبریل عليه السلام در این حال به رسول الله صلى الله عليه وآله گفت: اگر مرا می دیدی که گل و لای سیاه دریا را گرفته در دهان فرعون می گذاشتم از اینکه مبدا رحمت خداوندی به او برسد».

۴- آمدن فرشته مرگ بالای سر انسان قبل از خارج شدن روح از بدن.

۵- بشارت فرشته مرگ به مؤمن که خداوند از او راضی است، و گناهانش بخشیده می شود، و بشارت کافر به اینکه خداوند از او راضی نیست و بر او خشمگین است.



## فصل سوم:

### آنچه بعد از قبض روح انسان رخ می‌دهد

- ۱- روح انسان مؤمن از بدنش براحتی و آسانی خارج می‌شود، و کافر بعلت سختی خارج شدن روح از بدن معذب می‌شود.
- ۲- خروج روح انسان مؤمن مانند بهترین بوی عطر مُشکی که بر زمین وجود دارد، و خروج روح انسان کافر مانند بدترین بوی مرده‌ای که در زمین وجود دارد.
- ۳- انسان مؤمن هنگامیکه روحش از اطراف او خارج می‌شود خداوند سبحان را حمد و سپاس می‌گوید، چنانکه رسول الله ﷺ می‌فرماید: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ تَخْرُجُ نَفْسُهُ مِنْ بَيْنِ جَنْبَيْهِ وَهُوَ يَحْمَدُ اللَّهَ» [صحيح الجامع حديث ۱۹۲۷].  
«روح انسان مؤمن از دو طرف بدنش و یا از دو جنبش بیرون می‌شود در حالیکه او خداوند را حمد و سپاس می‌گوید».
- ۴- وقتی روح از بدن خارج می‌شود چشم انسان روح را دنبال می‌کند (بطرف آن نگاه می‌کند).
- رسول الله ﷺ می‌فرماید: «إِنَّ الرُّوحَ إِذَا قُبِضَ عَلَيْهَا تَبِعَهُ الْبَصَرُ» [مسلم وغيره].  
«اگر روح قبض و گرفته شد، چشم انسان آن را دنبال می‌کند».
- ۵- وقتی فرشتگان روح انسان مؤمن را با خود حمل می‌کنند درهای آسمان بر روی ایشان باز می‌شود.
- ۶- دروازه‌های آسمان برای روح کفار بروی فرشتگان باز نمی‌شود.

۷- خداوند امر می‌کند تا روح انسان مؤمن بعد از اینکه کتاب اعمالش در علیین (یکی از منازل بهشت) نوشته شود، به زمین باز گردانده شود.

۸- روح کافر از آسمان پرتاب می‌شود تا اینکه به جسد مرده‌اش برگردد، بعد از اینکه کتاب اعمالش در سجین (یکی از منازل جهنم) نوشته شود.

۹- انسان مرده وقتی دفن شد در قبر وحشت می‌گیرد، و با نشستن صالحین و مردان نیکوکار بالای قبر در موقع دفن به اندازه‌ای که شتری را ذبح کرده و گوشت آن تقسیم شود اُنس گرفته و از وحشت بیرون می‌رود، و انجام این کار مستحب است، و دلیل بر آن قول عمرو بن العاص رضی الله عنه است که گفت: «إِذَا دَفْتُمُونِي فَأَقِيمُوا حَوْلَ قَبْرِي قَدْرَ مَا تَنْحَرُ جَزُورًا وَيُقَسِّمُ لَحْمَهَا حَتَّى أَسْتَأْنِسَ بِكُمْ وَأَنْظُرَ مَاذَا أَرَا جَعَلَ بِهِ رَسُلَ رَبِّي» [مسلم].

«وقتی مرا دفن کردید بالای سرم به اندازه‌ای که شتری را کشته و گوشت آن تقسیم شود بنشینید، تا با شما اُنس و اَلْفَت بگیرم و ببینم چطور با دو فرشته منکر و نکیر مقابله کنم».

۱۰- فشار قبر، و هیچکس از آن نجات نخواهد یافت.

از عبدالله بن عباس رضی الله عنهما روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «لَوْ نَجَا أَحَدٌ مِنْ ضَمَّةِ الْقَبْرِ، لَنَجَا سَعْدُ بْنُ مَعَاذٍ، وَلَقَدْ ضَمَّ ضَمَّةً، ثُمَّ رُوِيَ عَنْهُ» [صحیح الجامع ۵۱۸۲].

«اگر کسی از فشار قبر نجات می‌یافت، سعد بن معاذ صحابی جلیل از آن نجات می‌یافت، ولی به او فشار خیلی سخت وارد شد، سپس آن فشار بر طرف گردید».

۱۱- باز گرداندن عقل انسان به جسدش در قبر:

«عن عبدالله بن عمر رضی الله عنهما أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم ذَكَرَ فِتَانَ الْقَبْرِ، فَقَالَ عُمَرُ: أَتَرَدُ

علینا عقولنا یا رسول الله؟ فقال رسول الله ﷺ: «نعم کهیئتک الیوم»، فقال عمر: بقیه الحجر» [صحیح الترغیب والترهیب جلد ۴ با سند حسن].

«از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فتنه های قبر را یاد کردند، عمر بن الخطاب رضی الله عنه سؤال کرد ای رسول خدا آیا عقل هایمان به ما باز می گردد؟ رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: بلی همچنانکه الآن عقل تو در جسدت می باشد، عمر رضی الله عنه گفت: جواب او را خواهم داد، یعنی جواب فرشته را بدرستی خواهم داد».

اینجا عمر بن الخطاب رضی الله عنه حسن ظن به خداوند داشت که خداوند او را موفق می کند تا جواب فرشته را بدهد.

۱۲- مرده وقتی دوستان و همراهانی که برای دفن او آمده اند، او را وداع می گویند و از آنجا دور می شوند، صدای پای آنها را می شنود.

۱۳- چه وقت مرده مورد سؤال قرار می گیرد؟  
بعد از فراغ از دفن سؤال شروع می شود.

فقد کان النبی صلی الله علیه و آله و سلم إذا فرغ من دفن المیت وقف علیه وقال: «استغفروا لأخیکم وسلوا له التثییت فإنه الآن یسأل» [أبوداود، صحیح الجامع ۹۵۸].

و به اینخاطر چون دفن میت پایان می رسد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بر قبر ایستاده و می فرموند: «استغفار کنید برای او، از خداوند ثبات و پایداری بخواهید، زیرا هم اکنون از او سؤال می شود».

۱۴- دو فرشته برای سؤال کردن از میت می آید.

۱۵- نام های دو فرشته ای که بر میت می آیند و چگونگی آنها:

از أبوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «إذا قُبِرَ المیت أتاه ملکَان أسودان أزرقان، یقال لأحدهما المُنکر وللآخر التَّکیر، فیقولان: ما

كُنْتَ تَقُولُ فِي هَذَا الرَّجُلِ؟ فَيَقُولُ: مَا كَانَ يَقُولُ هُوَ: عَبْدُ اللَّهِ وَرَسُولُهُ، أَشْهَدُ أَنْ  
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، فَيَقُولَانِ: قَدْ كُنَّا نَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُولُ...»  
[جزوی از حدیث الترمذی، صحیح الجامع حدیث ۷۳۷].

«وقتی میت دفن شد دو فرشته سیاه که به رنگ آبی شباهت دارند به نزد او می آیند  
که به یکی از آنها مُنْکَر، و به دیگری نَکیر گفته می شود، سپس از میت سؤال  
می کنند: درباره آن مردی که در بین شما ظهور کرد چه می گفتی؟ (مقصود رسول  
الله ﷺ است)، مرده جواب می دهد: آنچه او می گفت که بنده و فرستاده خداست،  
همان می گفتم، و گواهی می دهم که معبودی بحق جز خدای یکتا نیست، و گواهی  
می دهم که محمد ﷺ بنده و فرستاده خداست، پس دو فرشته می گویند: ما  
می دانستیم که تو چنین جواب خواهی داد».

۱۶- خداوند مؤمنین را در قبر ثابت قدم نگه می دارد، رسول الله ﷺ فرمودند:  
«إِذَا أَقْعَدَ الْمُؤْمِنُ فِي قَبْرِهِ أَمَى ثُمَّ شَهِدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ  
اللَّهِ فَذَلِكَ قَوْلُهُ: ﴿يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ﴾»  
[البخاری].

«هنگامیکه مؤمن در قبر نشانده می شود: گواهی می دهد که معبودی بحق جز  
خدای یکتا نیست، و محمد رسول و فرستاده خداست، و این همان قول خداوند  
است که می فرماید: ﴿يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا  
وَفِي الْآخِرَةِ﴾» [ابراهیم: ۲۷].

«خداوند کسانی را که ایمان آوردند، به خاطر گفتار و اعتقاد ثابت شان، استوار  
می دارد؛ هم در این جهان، و هم در سرای دیگر!»

نزد مرگ به قول ثابت و حق بر دین اسلام و خاتمه خوب، و در قبر جواب دو  
فرشته را صحیح می دهد، اگر از او سؤال شد: معبود تو کیست و دین تو چیست؟ و

پیامبر تو کیست؟ در جواب می گوید: معبود من خداست، و دین من اسلام است، و پیامبر من محمد ﷺ است.

۱۷- موفق شدن انسان مؤمن در جواب سؤال دو فرشته منکر و نکیر و عدم پیروزی کافر در آن.

۱۸- انسان مؤمن و صالح قبل از سؤال در قبر با راحتی و خوشحالی می نشیند، ولی انسان کافر و بدکار با ترس و ناراحتی در قبر می نشیند.

از عائشه رضی الله عنها روایت است که: «جاءت یهودیة استطعمت علی بابی فقالت: أطمعونی أعاذکم الله من فتنة الدجال ومن فتنة عذاب القبر، قالت: فلم أزل أحبسها حتی جاء رسول الله ﷺ، فقلت: یا رسول الله ما تقول هذه الیهودیة؟ قال: «وما تقول؟» قلت: تقول أعاذکم الله من فتنة الدجال ومن فتنة عذاب القبر، قالت عائشة رضی الله عنها، فقام رسول الله ﷺ ورفع یدیه مداً يستعین بالله من فتنة الدجال ومن فتنة عذاب القبر، ثم قال: «أما فتنة الدجال فإنه لم یکن نبی إلا حذر أمته، وسأحدثکم بحديث لم یحذرہ نبی أمته؛ إنه أعور وإن الله لیس بأعور، مکتوب بین عینه کافر، یقرؤه کل مؤمن، فأما فتنة عذاب القبر فبی یفتنون وعنی یسألون، فإذا کان الرجل الصالح أجلس فی قبره غیر فزع ولا مشعوف، ثم یقال له: فما کنت تقول فی الإسلام؟ فیقال: ما هذا الرجل الذی کان فیکم؟ فیقول: محمد رسول الله جاء بالبینات من عند الله فصدقناه، فیفرج له فرجة قبل النار، فینظر إليها یحطم بعضها بعضاً، فیقال له: انظر إلى ما وقاک الله، ثم تفرج له فرجة إلى الجنة، فینظر إلى زهرتها وما فیها، فیقال له: هذا مقعدک منها، ویقال: علی الیقین کنت وعلیه مت، وعلیه تبعث إن شاء الله.

وإذا كان الرجل السوء أُجلس في قبره فزعاً مشعوباً فيقال: فما كنت تقول؟ فيقول: سمعت الناس يقولون قولاً فقلت كما قالوا، فيفرج له فرجة إلى الجنة، فينظر إلى زهرتها وما فيها، فيقال له: انظر إلى ما صرف الله عنك، ثم يفرج له فرجة قبل النار، فينظر إليها يحطم بعضها بعضاً، ويقال: هذا مقعدك منها، على الشك كنت، وعليه متّ، وعليه تبعث إن شاء الله، ثم يعذب» [أحمد وصحيح الترغيب والترهيب].

«زن یهودی به پشت در خانه‌ام آمد و طلب خوراک کرد و گفت: مرا خوراک بدهید، خداوند شما را از فتنهٔ دجال و فتنهٔ عذاب قبر نجات دهد، عائشه رضی الله عنها گفت: او را همچنان نگه داشتیم تا اینکه رسول الله صلی الله علیه و آله آمد، گفتم: ای رسول الله این زن یهودی چه می‌گوید؟ آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمود: مگر چه می‌گوید؟ گفتم: می‌گوید: خداوند شما را از فتنهٔ دجال و فتنهٔ عذاب قبر نجات دهد، عائشه رضی الله عنها گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله ایستاد و دو دستش را بلند کرد و از فتنهٔ دجال و فتنهٔ عذاب قبر به خدا پناه برد، سپس فرمود: اما فتنهٔ دجال هیچ پیامبری نبوده مگر اینکه امت و پیروان خود را از فتنهٔ آن بر حذر داشته، و شما را از علامت‌هایی که در دجال وجود دارد با خبر می‌کنم که هیچ پیامبری امت و پیروان خود را از این علامت‌ها بر حذر نداشته، دجال یک چشمش کور است، و خداوند چنین نیست، بین دو چشمش نوشته: کافر، و تمامی مؤمنان آن را می‌خوانند.

اما فتنهٔ قبر در من و دربارهٔ من که رسول الله هستم سؤال می‌شوند، که آیا می‌توانند جواب صحیح بدهند یا خیر، اگر میت انسانی صالح و نیکوکار باشد در قبر نشسته و هیچ ناراحتی و ترس ندارد، و به او گفته می‌شود: دربارهٔ دین اسلام چه می‌گفتی؟ و آن مردی که میان شما بود چه کسی بود.

فرد صالح و مؤمن جواب می‌دهد: او محمد رسول خداست، و خداوند او را با دلایل و براهین واضح از نزد خود فرستاد، و ما او را صادق و راستگو دانستیم و به



پیامبری که از طرف خدا آمده قبول کردیم، در اینحال دریچه‌ای از طرف جهنم گشوده شده و او بطرف آن نگاه می کند که آتشی هولناک در هم پیچیده و همدیگر را می خورد، و به او گفته می شود: ببین و بنگر آنچه خداوند تو را از آن نجات داده، سپس دریچه‌ای از بهشت بسوی او باز می شود و به گل ها و آنچه در بهشت وجود دارد نگاه می کند، و به او گفته می شود: این جایگاه و مسکن تو است، تو بر یقین و بر حق بودی، و بر آن دنیا را وداع گفتی، و بر آن إن شاء الله زنده و محشور خواهی شد».

و اگر انسانی بدکار و یا کافر باشد در حالیکه ترس و ناراحتی بر قلب او جای گرفته در قبر می نشیند و منتظر سؤال دو فرشته می شود، و به او گفته می شود: در دنیا چه می گفتی؟ جواب می دهد: شنیدم مردم چیزی می گفتند و من آنچه مردم می گفتند تکرار می کردم. سپس دریچه‌ای از بهشت بسوی او باز می شود و او به گل ها و آنچه در آن می باشد نگاه می کند، و به او گفته می شود: ببین و بنگر آنچه خدا تو را از آن محروم کرده، و دریچه‌ای از جهنم بر او باز می شود و آتش را می بیند که در هم می خورد و زبانه می کشد، و به او گفته می شود: این مسکن و جایگاه تو است، حقیقتاً که بر شک و تردید بودی، و بر آن مُردی، و بر آن در روز قیامت زنده و محشور خواهی شد، سپس در قبر به او عذاب داده می شود.

۱۹- برای مؤمن دروازه‌ای از بهشت به قبرش باز می شود.

۲۰- برای کافر دروازه‌ای از جهنم به قبرش باز می شود.

۲۱- مؤمن جایگاهش را در بهشت می بیند، و کافر جایگاهش را در جهنم می بیند.

۲۲- قبر مؤمن به اندازه دید چشم وسیع می شود، و قبر کافر تنگ می شود.

۲۳- عمل صالح و نیک مؤمن به شکل انسان خوش رو و صورت، با لباسی پاک دامن و خوش بو ظاهر می شود و او را (به بهشت و نعمتهای آن)

بشارت می‌دهد، و اما کافر عمل او به شکل انسان خبیث و مجرم و بد رفتار، که لباسی کثیف و بد بود در تن دارد ظاهر و آشکار می‌شود و او را به سرانجام بد بشارت می‌دهد.

۲۴- در قبر به کافر ضربتی با چکش زده می‌شود بطوریکه با این ضربه به خاک تبدیل می‌شود.

**ملاحظه:** دلیل آن فقره‌هایی که جلو آنها این علامتی باشد این حدیث است.

«عن البراء بن عازب رضی الله عنه قال: خرجنا مع النبي صلی الله علیه و آله و سلم في جنازة رجل من الأنصار فانتھینا إلى القبر ولما یلحد، فجلس رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم مستقبل القبلة وجلسنا حوله وكأنَّ علی رؤوسنا الطیر، وفي یده عود ینکت فی الأرض، فجعل ینظر إلى السماء، وینظر إلى الأرض، وجعل یرفع بصره ویخفضه ثلاثاً، فقال: «استعیذوا بالله من عذاب القبر» مرتین، أو ثلاثاً، ثم قال: «اللَّهُمَّ إِنِّي أعوذ بك من عذاب القبر» ثلاثاً، ثم قال: «إنَّ العبد المؤمن إذا كان فی انقطاع من الدنيا وإقبال من الآخرة نزل إليه ملائكة من السماء بیض الوجوه كأنَّ وجوههم الشمس، معهم کفن من أكفان الجنة، وحنوط من حنوط الجنة، حتی یجلسوا منه مد البصر، ثم یجئ ملك الموت؛ حتی یجلس عند رأسه فیقول: أیتها النفس الطيبة (وفي رواية: المطمئنة) أخرجني إلى مغفرة من الله ورضوان، قال: فتخرج تسیل كما تسیل القطرة من فیّ السماء، فیأخذها (وفي رواية: حتی إذا خرجت روحه صلی علیه کل ملك بین السماء والأرض، وكل ملك فی السماء، وفتحت له أبواب السماء، لیس من أهل باب إلاَّ وهم یدعون الله أن یرج بروحه من قبلهم)، فإذا أخذها لم یدعوها فی یده طرفه عین حتی یأخذوها فیجعلوها فی ذلك الکفن، وفي ذلك الحنوط، فذلك قوله تعالی: ﴿تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا

يُقَرَّبُونَ ﴿٦١﴾. ويخرج منها كأطيب نفحة مسك وجدت على وجه الأرض، قال: فيصعدون بها، فلا يمرون - يعني بها - على ملاء من الملائكة إلا قالوا: ما هذا الروح الطيب؟ فيقولون: فلان ابن فلان، بأحسن أسمائه التي كانوا يسمونه بها في الدنيا، فيستفتحون له فيفتح له، فيشيعه من كل سماء مقربوها، إلى السماء التي تليها، حتى ينتهي به إلى السماء السابعة، فيقول الله عز وجل: اكتبوا كتاب عبدي في عليين، ﴿وَمَا أَدْرَاكَ مَا عَلَيَّونَ ﴿١٦﴾ كِتَابٌ مَّرْقُومٌ ﴿١٧﴾ يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ ﴿١٨﴾﴾ فيكتب كتابه في عليين، ثم يقال: أعيدوه إلى الأرض فأبى وعدتهم أبى: منها خلقتهم وفيها أعيدهم ومنها أخرجهم تارة أخرى، قال: فيُرد إلى الأرض وتعاد روحه في جسده.

قال: فإنه يسمع خفق نعال أصحابه إذا ولّوا عنه مدبرين، فيأتيه ملكان شديدا الانتهاز فينتهرانه ويجلسانه فيقولان له: من ربك؟ فيقول: ربي الله، فيقولان له: ما دينك؟ فيقول ديني الإسلام، فيقولان له: ما هذا الرجل الذي بعث فيكم؟ فيقول: هو رسول الله ص، فيقولان له: وما عملك؟ فيقول: قرأت كتاب الله فأمنت به وصدقت، فينتهره، فيقول: من ربك؟ ما دينك؟ من نبيك؟ وهي آخر فتنة تعرض على المؤمن، فذلك حين يقول الله عز وجل: ﴿يُنَبِّئُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾. فيقول: ربي الله، وديني الإسلام، ونبي محمد ص، فينادي منادٍ من السماء، أن صدق عبدي، فأفرشوه من الجنة، وألبسوه من الجنة، وافتحوا له باباً إلى الجنة، قال: فيأتيه من روحها وطيبها، ويفسح له في قبره مد بصره، قال: وفي رواية: (يتمثل له رجل حسن الوجه، حسن الثياب، طيب الريح) فيقول: أبشر بالذي يسرك، أبشر برضوان من الله وجنات فيها نعيم مقيم، هذا يومك الذي كنت توعده، فيقول له وأنت

فبشرك الله بخير، من أنت؟ فوجهك الوجه يجيء بالخير، فيقول: أنا عملك الصالح فوالله ما علمتك إلا كنت سريعاً في طاعة الله، بطيئاً في معصية الله، فجزاك الله خيراً، ثم يفتح له باب من الجنة وباب من النار، فيقال: هذا منزلك لو عصيت الله، أبدلك الله به هذا، فإذا رأى ما في الجنة قال: رب عجل قيام الساعة، كيما أرجع إلى أهلي ومالي، فيقال له: اسكن.

قال: وإنَّ العبد الكافر، وفي رواية الفاجر إذا كان في انقطاع من الدنيا وإقبال من الآخرة نزل إليه من السماء ملائكة غلاظ شداد، سود الوجوه، معهم المسوح من النار، فيجلسون منه مد البصر، ثم يجيء ملك الموت حتى يجلس عند رأسه فيقول: أيتها النفس الخبيثة أخرجي إلى سخط من الله وغضب، قال: فتفرق في جسده فينتزعها كما ينتزع السفود الكثير الشعب من الصوف المبلول، فتقطع معها العروق والعصب، فيلعنه كل ملك بين السماء والأرض، وكل ملك في السماء، وتعلق أبواب السماء، ليس من أهل باب إلا وهم يدعون الله ألا تعرج روحه من قبلهم، فيأخذها، فإذا أخذها لم يدعوها في يده طرفة عين حتى يجعلوها في تلك المسوح، ويخرج منها كأنتن ريح جيفة وجدت على وجه الأرض، فيصعدون بها، فلا يمرون بها على ملام من الملائكة إلا قالوا: ما هذا الروح الخبيث؟ فيقولون: فلان ابن فلان، بأقبح أسمائه التي كان يسمى بها في الدنيا، حتى ينتهي به إلى السماء الدنيا، فيستفتح له فلا يفتخ له، ثم قرأ رسول الله ﷺ: ﴿نُفْتُحْ لَهُمْ أَبْوَابَ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ﴾. فيقول الله عز وجل: اكتبوا كتابه في سجين، في الأرض السفلى، ثم يقال: أعيديوا عبدي إلى الأرض فإني وعدتهم أني: منها خلقتهم، وفيها أعيدهم، منها أخرجهم تارة أخرى، فتطرح روحه من السماء طرْحاً حتى تقع في جسده، ثم قرأ: ﴿وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخْطَفُهُ الطَّيْرُ

أَوْ تَهْوَىٰ بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ ﴿۳۱﴾. فتعاد روحه في جسده، قال: فَإِنَّهُ لَيَسْمَعُ خَفَقَ نَعَالِ أَصْحَابِهِ إِذَا وَلَّوْا عَنْهُ، وَيَأْتِيهِ مَلَكَانِ شَدِيدَا الْإِنْتِهَارِ فَيَنْتَهَرَانِهِ وَيَجْلِسَانِهِ فَيَقُولَانِ لَهُ: مَنْ رَبُّكَ؟ فَيَقُولُ: هَاهُ هَاهُ، لَا أُدْرِي، فَيَقُولَانِ: مَا دِينُكَ؟ فَيَقُولُ: هَاهُ هَاهُ، لَا أُدْرِي، فَيَقُولَانِ: فَمَا تَقُولُ فِي هَذَا الرَّجُلِ الَّذِي بَعَثَ فِيكُمْ؟ فَلَا يَهْتَدِي لِاسْمِهِ، فَيَقَالُ مُحَمَّدًا! فَيَقُولُ هَاهُ هَاهُ، لَا أُدْرِي سَمِعْتُ النَّاسَ يَقُولُونَ ذَلِكَ! قَالَ: فَيَقَالُ: لَا دَرِيْتِ، وَلَا تَلَوْتِ، فَيَنَادِي مَنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ أَنْ كَذَبَ، فَأَفْرَشُوا لَهُ مِنَ النَّارِ، وَافْتَحُوا لَهُ بَاباً إِلَى النَّارِ، فَيَأْتِيهِ مِنْ حَرِّهَا وَسُمُومِهَا، وَيَضِيقُ عَلَيْهِ قَبْرُهُ حَتَّى تَخْتَلِفُ فِيهِ أَضْلَاعُهُ، وَيَأْتِيهِ، وَفِي رِوَايَةٍ: وَيُمَثِّلُ لَهُ رَجُلٌ قَبِيحَ الْوَجْهِ، قَبِيحَ الثِّيَابِ، مِنْتَنِ الرِّيحِ، فَيَقُولُ: أَبْشُرْ بِالَّذِي يَسُوءُكَ، هَذَا يَوْمُكَ الَّذِي كُنْتَ تُوَعِّدُ، فَيَقُولُ: وَأَنْتَ فَبَشْرِكَ اللَّهُ بِالْبَشْرِ، مَنْ أَنْتَ؟ فَوَجْهَكَ الْوَجْهَ يَجْعَى بِالْبَشْرِ، فَيَقُولُ: أَنَا عَمَلُكَ الْخَبِيثِ، فَوَاللَّهِ مَا عَلِمْتُ إِلَّا كُنْتُ بَطِيئاً عَنِ طَاعَةِ اللَّهِ، سَرِيعاً إِلَى مَعْصِيَةِ اللَّهِ، فَجَزَاكَ اللَّهُ شَرّاً، ثُمَّ يَقْبِضُ لَهُ أَعْمَى أَصْمَ بِكُمْ فِي يَدِهِ مَرْزَبَةً! لَوْ ضَرَبَ بِهَا جَبَلَ كَانَ تَرَاباً، فَيَضْرِبُهُ ضَرْبَةً حَتَّى يَصِيرَ بِهَا تَرَاباً، ثُمَّ يَعِيدُهُ اللَّهُ كَمَا كَانَ، فَيَضْرِبُهُ ضَرْبَةً أُخْرَى، فَيَصِيحُ صَيْحَةً يَسْمَعُهُ كُلُّ شَيْءٍ إِلَّا الثَّقَلَيْنِ، ثُمَّ يَفْتَحُ لَهُ بَابَ مِنَ النَّارِ، وَيَمْهَدُ مِنَ فَرَشِ النَّارِ، فَيَقُولُ: رَبِّ لَا تَقْمِ السَّاعَةَ» [أحكام الجنائز ۱۵۶ - ۱۵۹].

«از براء بن عازب رضی اللہ عنہ روایت است که فرمودند: با رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم همراه جنازه مردی از انصار بیرون شدید، به قبر رسیدیم و هنوز لحد زده نشده بود، و حفر آن تمام نشده بود، رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم رو به قبله نشستند و ما اطراف او نشستیم، و هیچیک از ما صحبت نمی کرد، در دست رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم چوبی بود و با آن بر زمین خط‌هایی می کشید، و شروع کرد، اندکی به آسمان نگاه می کرد، و اندکی بسوی زمین می نگریست، بعد از آن سه بار بطرف بالا، و سه بار بطرف پایین نگاه کرد،

سپس دو یا سه بار فرمود: از عذاب قبر به خدا پناه ببرید، بعد سه بار فرمود: خدایا از عذاب قبر به تو پناه می‌برم، سپس فرمود: بنده مؤمن چون دنیا را وداع گوید و به استقبال آخرت رود فرشتگانی سفید رو از آسمان بر او نازل می‌شوند، رو و صورت‌شان همانند آفتاب روشن است، کفنی از کفن‌های بهشت، و عطرهای ویژه اموات مانند کافور و غیره همراه دارند، تا چشم مرده می‌بیند از او دور می‌نشینند، سپس ملک الموت عَلَيْهِ السَّلَامُ، یعنی فرشته‌ای که روح را قبض می‌کند (عامه مردم آن را به عزرائیل می‌خوانند، و آنچه در قرآن و سنت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وارد شده است، ملک الموت می‌باشد، و ممکن است عزرائیل از اسم‌های اسرائیلی باشد که رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: آن را تصدیق و تکذیب نکنید)، تا اینکه بالای سرش بنشیند و به او می‌گوید: ای روح پاک، - و در روایتی دیگر - ای روح مطمئن، بسوی مغفرت و رضوان خدا خارج شو، رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: پس روح از جسد به آسانی خارج می‌شود، همچنانکه قطره آبی از کوزه آب خارج می‌گردد».

پس ملک الموت آن را می‌گیرد - و در روایتی دیگر - وقتی روح از جسد خارج شد تمامی فرشتگان بین آسمان و زمین و تمام فرشته‌های آسمان درود می‌فرستند و دروازه‌های آسمان بر روحش باز می‌شوند، و اهل هر دری از درهای آسمان تمنا می‌کنند و از خدا می‌خواهند تا روح این مرده را از جهت ایشان بطرف خود سوق دهد، و وقتی ملک الموت روح را از جسد خارج کرده و در دست گرفت فرشته‌های رحمت که دور از او نشسته بودند فوراً به اندازه چشم به هم زدن روح را از دست او گرفته و در آن کفن و عطرهاییکه از بهشت با خود آورده بودند می‌گذارند، پس این کلام خداست که در قرآن فرمودند: ﴿تَوَفَّيْتُهُ رُسُلْنَا وَهُمْ لَا يُفَرِّطُونَ﴾ (۱۱) [الأنعام: ۶۱]. «فرستادگان ما (ملک الموت) جان او را می‌گیرند، و آنها (در نگاهداری حساب عمر و اعمال بندگان) کوتاهی نمی‌کنند».

و روح از جسد خارج می شود همانند بهترین بوی عطر مُشکی که بر زمین پیدا شود، و فرمود: پس آن را بطرف آسمان می برند، و بر هیچ ملاً و جمعی از فرشتگان نمی گذرند مگر اینکه آنها سؤال می کنند: این روح خوش بو روح چه کسی است؟ پس فرشتگانی که آن روح را حمل می کنند جواب می دهند: این روح فلان ابن فلان است، با بهترین نام هائی که در زمین داشته و مردم با آن او را صدا می کردند، تا اینکه به انتهای آسمانی که ما آن را در دنیا می بینیم برسند، پس طلب می کنند که درب آسمان دوم بر آنها باز کنند، سپس درب آسمان بر آنها باز می شود و در هر آسمان فرشتگانی که در نزدیکی آن روح هستند در تشییع جنازه آن روح پاک شرکت می کنند، تا اینکه به آسمان هفتم برسند، در اینجا خداوند می فرماید: کتاب اعمال بنده صالح مرا در علین بنویسید، و آنها بلندترین و عالی ترین منازل بهشت است.

﴿وَمَا أَدْرَاكَ مَا عَلَيَّونَ ﴿١٩﴾ كِتَابٌ مَّرْقُومٌ ﴿٢٠﴾ يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ ﴿٢١﴾﴾

[المطففين: ۱۹-۲۱].

«و تو (ای محمد) چه می دانی علین چیست. نامه ای است رقم خورده و سرنوشتی است قطعی. مقرّبان شاهد آند، یا بر آن گواهی می دهند.»

پس کتابش را در علین نوشته شده، سپس گفته می شود: روحش را به زمین برگردانید، و خداوند می فرماید: [من به بنده خود وعده داده ام که از زمین او را خلق کرده، و به آن او را برمی گردانم، و بار دیگر او را از زمین خارج خواهم کرد]، یعنی روز محشر، پس روحش را به زمین برمی گردانند و روحش به جسدش برمی گردد، رسول الله ﷺ فرمودند: مرده صدای کفش پای دوستانش که برای دفن او آمده اند را می شنود وقتی از او جدا می شوند، پس بر او دو فرشته می آید و او را تویخی شدید کرده و او را می نشانند و به او می گویند: معبود تو چه کسی است؟ جواب می دهد: معبود من الله است، و به او می گویند: دین تو چیست؟ جواب می دهد: دین من اسلام است، و به او می گویند: آن مردی که بر شما مبعوث شد چه کسی است؟

جواب می‌دهد: او رسول الله ﷺ است، و به او می‌گویند: در دنیا چه کردی؟ جواب می‌دهد: قرآن خواندم، و به آن ایمان آوردم، و آن را تصدیق نمودم، بار دیگر او را توبیخ شدیدی کرده به او می‌گویند: معبود تو چه کسی است؟ دین تو چیست؟ پیامبر تو چه کسی است؟ و این آخرین فتنه‌ای است که بر مؤمن وارد می‌شود، و این کلام خداست که می‌فرماید: ﴿يُنَبِّئُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ﴾ [ابراهیم: ۲۷].

«خداوند کسانی را که ایمان آوردند، به خاطر گفتار و اعتقاد ثابتشان، استوار می‌دارد هم در این جهان».

پس میت جواب می‌دهد: معبود من الله است، و دین من اسلام است، و پیامبر من محمد ﷺ است، پس ندائی از آسمان بصدا در می‌آید که بنده من راست می‌گویند، پس از بهشت برای او فرش کنید، و از لباس‌های بهشت بر تن او کنید، و دری از بهشت بر روی او باز کنید، رسول الله ﷺ فرمودند: پس از بهشت بوهای زیبا و خوب به مشام او می‌رسد، و قبرش وسعت پیدا می‌کند که طول آن آخرین نقطه‌ای است که مرده آن را می‌تواند ببیند، و نزد او می‌آید - و در روایتی - مردی خوش رو، و پاک دامن که از او بوی خیلی خوبی می‌آید، و به او می‌گویند: بشارت بده آنچه بر تو آسان است، بشارت بده به رضوان و رحمت خداوندی و بهشتی که در آن نعمت‌های بی‌پایان است، این روزی است که تو به آن وعده داده شده بودی، پس میت می‌گوید: خداوند تو را به عمل نیک بشارت دهد، تو کی هستی؟ صورتت و رویت، رویی است که به خیر بشارت می‌دهد، وی جواب می‌دهد: من عمل صالح تو هستم، به خدا سوگند تو را ندیده‌ام مگر اینکه در طاعت خدا سباق و سریع بودی، در معصیت خدا کُند بودی، پس خداوند تو را ثواب و جزای خیر بدهد، سپس دری از سوی بهشت و دری از سوی جهنم بر او باز می‌شود و به او گفته می‌شود: این منزل و مسکن تو است اگر معصیت خدا می‌کردی، و خداوند به



مسکنی که در بهشت است تبدیل کرده، و وقتی آنچه در بهشت است دید می گوید: بار الهی! در قیام ساعت و آخرت عجله کن تا اینکه بسوی اهل و مالم برگردم، پس به او گفته می شود: منزل بگیر.

رسول الله ﷺ فرمودند: و بنده کافر - و در روایتی - فاجر وقتی دنیا را وداع گفته و به استقبال آخرت می رود بر او فرشته هائی درشت خو، سیاه رو نازل می شود که لباسی از موی جهنم با آنهاست، و تا آنجائیکه مرده به چشم می بیند دور از او می نشینند، سپس ملک الموت می آید و بالای سر میت می نشیند و به او می گوید: ای روح خبیث و ناپاک بسوی سخط و غضب و خشم خداوند خارج شو، رسول الله ﷺ فرمودند: پس روحش در بدن و جسدش متفرق می شود، ملک الموت آن را کشیده و از بدنش خارج می کند همچنانکه سفود: یعنی سیخ کبابی که در اطراف آن سیخ های دیگری وجود دارد (پس وقتی آن را از پشمی که در آب خیس شده بیرون آورده می شود با خود پشم های دیگری می کشد و با دشواری از آن بیرون می آید)، را از پشمی که در آب خیش شده بیرون آورده می شود، پس رگ ها و عصب هایش با آن قطع می شود و او را همه فرشتگانی که بین آسمان و زمین و در آسمان هستند لعنت می کنند و درهای آسمان بسته می شوند، هیچ دری از درهای آسمان نیست مگر اینکه دربان های آن درها دعا می کنند که خداوند روح این مرده را از طرف ایشان بالا نبرد، پس ملک الموت روح را گرفته و وقتی در دست گرفت فرشته های عذاب که دور از او نشسته اند به اندازه چشم به هم زدنی روح را از او گرفته و در آن لباس موئی قرار می دهند، و از آن مانند بدترین بوی مرده ای که در زمین پیدا شود خارج می گردد، سپس آن را بالا می برند، و به هیچ ملأ و جمعی از فرشتگان عبور نمی کنند بجز اینکه می گویند: این روح خبیث و بد چه چیز است؟ جواب داده می شوند: فلانی فرزند فلان، با بدترین اسم هائی که در دنیا نام داشته، تا اینکه به آسمان دنیا برسند، سرانجام درخواست باز کردن دروازه های آسمان را به روی

او می‌کنند، ولی درها باز نمی‌شوند، سپس رسول الله ﷺ این آیه کریمه را تلاوت فرمود: ﴿لَا تَفْتَحُ لَهُمْ أَبْوَابَ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلْبِغَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخَيْاطِ﴾ [الأعراف: ۴۰].

«درهای آسمان به رویشان گشوده نمی‌شود؛ و (هیچ گاه) داخل بهشت نخواهند شد مگر اینکه شتر از سوراخ سوزن بگذرد!».

و در اینجا خداوند می‌فرماید: [کتاب عمل این مرده را در سجین بنویسید: (یکی از منازل جهنم در طبقه آخر زمین جهنم)، سپس گفته می‌شود: او را به زمین برگردانید، زیرا به بنده خود وعده داده‌ام که او را از زمین خلق کرده، و به آن برمی‌گردانم، و بار دیگر او را از زمین حشر خواهم کرد، پس روحش از آسمان به زمین بطور خیلی شدید پرتاب می‌شود، تا اینکه به جسدش برسد، سپس رسول الله ﷺ این آیه کریمه را تلاوت فرمودند: ﴿...وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخَطَّفَهُ الطَّيْرُ أَوْ نَهْوَىٰ بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ﴾ [الحج: ۳۱].

«و هر کس همتایی برای خدا قرار دهد، گویی از آسمان سقوط کرده، و پرندگان (در وسط هوا) او را می‌ربایند؛ و یا تندباد او را به جای دوردستی پرتاب می‌کند!».

پس روحش به جسدش برمی‌گردد، سپس فرمود: مرده صدای پای دوستانش را که برای دفنش آمده بودند و هم اکنون او را ترک می‌کنند می‌شنود، و دو فرشته نزد او می‌آیند و او را توییح کرده و در قبرش می‌نشانند، و به او می‌گویند: معبود تو چه کسی است؟ جواب می‌دهد: هاه هاه (این کلمه در اینجا به معنای ترس و بیم و هراس است)، نمی‌دانم، و به او می‌گویند: دین تو چیست؟ جواب می‌دهد: هاه هاه نمی‌دانم، پس به او می‌گویند: در باره آن مردی که در میان شما مبعوث شد چه می‌گوئی؟ می‌گوید: اسمش را بیاد نمی‌آورم، پس به او گفته می‌شود: نام او محمد است، جواب می‌دهد: هاه هاه، نمی‌دانم، شنیدم مردم چنان می‌گویند، فرمود: پس

به او گفته می شود: ندانستی، و نخواندی، پس منادی از آسمان ندا می کند که او دروغ می گوید، پس برای او از جهنم فرش کنید، و بر او دری از جهنم باز کنید، و بر او وارد می شود - و در روایتی - مردی بد چهره و زشت، و پلید دامن که از او بوی خیلی بد و نفرت انگیزی می آید ظاهر می شود، و به او می گوید: تو را به توهین و اساءت و زیانکاری و بدبختی بشارت می دهم، این روزی است که بتو وعده داده شده بود، پس مرده می گوید: و خداوند تو را به بدی بشارت دهد، تو چه کسی هستی؟ صورت تو صورتی است که خبر زشتی همراه دارد، جواب می دهد: من عمل خبیث تو هستم، بخدا سوگند تو را ندیدم مگر اینکه در طاعت خدا تبیل بودی، و در معصیت او زرنگ و چابک بودی، پس خداوند تو را جزای بد بدهد، پس بر او کور و کر و لالی مسلط می شود که چکشی در دست دارد که اگر آن را به کوهی بزند کوه به خاک تبدیل می شود، پس به میت ضربه ای می زند که میت تبدیل به خاک می شود، سپس خدا او را به همان جسدی که بوده برمی گرداند، بار دیگر به او ضربه ای می زند با این ضربه او فریاد می کشد که بجز انس و جن همه مخلوقات آواز و فریاد او را می شنوند، سپس بر او دری از جهنم باز می شود و برایش از جهنم فرش می شود، و مرده می گوید: بار الهی! قیامت را بر پا مکن.

۲۵- اهل آسمان روح پاک را خوش آمد می گویند و به او بشارت نیکو و خوب می دهند.

۲۶- اهل آسمان روح ناپاک را خوش آمد نمی گویند و به او بشارت بد می دهند.

۲۷- آتشی که خداوند مؤمن را از آن نجات داده است دیده می شود.

۲۸- دریچه ای از سوی بهشت باز می شود تا انسان بدکار جایگاهی را که از آن محروم شده است ببیند.

قال عنه: «إِنَّ الْمِيتَ تَحْضُرُهُ الْمَلَائِكَةُ، فَإِذَا كَانَ الرَّجُلُ صَالِحًا قَالَ: اٰخِرَجِي

أيتها النفس الطيبة كانت في الجسد الطيب، اخرجي حميدة، وأبشري بروح

وریحان، وربُّ غیر غضبان، فلا يزال يقال ذلك حتى تخرج، ثم يعرج بها إلى السماء فيستفتح لها، فيقال: من هذا؟ فيقول: فلان، يقال: مرحباً بالنعفس الطيبة، كانت في الجسد الطيب، ادخلي حميدة، وأبشري بروح وريحان، وربُّ غير غضبان، فلا يزال يقال لها حتى ينتهي بها إلى السماء التي فيها الله تبارك وتعالى.

فإذا كان الرجل السوء، قال اخرجي أيتها النفس الخبيثة، كانت في الجسد الخبيث، اخرجي ذميمة، وأبشري بحميم وغساق، وآخر من شكله أزواج، فلا يزال يقال لها ذلك حتى تخرج، ثم يعرج بها إلى السماء فيستفتح لها، فيقال: من هذا؟ فيقال: فلان، فيقال: لا مرحباً بالنعفس الخبيثة كانت في الجسد الخبيث، ارجعي ذميمة، فإنَّها لا تفتح لك أبواب السماء، فترسل من السماء، ثم تصير إلى القبر.

فيجلس الرجل الصالح في قبره غير فرج ولا مشعوف، ثم يقال له: فيم كنت، فيقول: كنت في الإسلام، فيقال له: ما هذا الرجل؟ فيقول: محمد رسول الله ﷺ جاءنا بالبينات من عند الله فصدّقناه، فيقال له: هل رأيت الله؟ فيقول: ما ينبغي لأحد أن يرى الله، فيفرج له فرجة قبّل النار، فينظر إليها يحطّم بعضها بعضاً، فيقال له: انظر إلى ما وقاك الله تعالى، ثم يفرج له فرجة قبّل الجنة، فينظر إلى زهرتها وما فيها، فيقال له: هذا مقعدك، ويقال له: على اليقين كنت، وعليه مت، وعليه تبعث إن شاء الله.

ويجلس الرجل السوء في قبره فرجاً مشعوفاً، فيقال له: فيم كنت؟ فيقول: لا أدري، فيقال له: ما هذا الرجل؟ فيقول: سمعت الناس يقولون قولاً فقلته، فيفرج له فرجة قبّل الجنة، فينظر إلى زهرتها وما فيها، فيقال له: انظر إلى ما صرف الله عنك، ثم يفرج له فرجة إلى النار، فينظر إليها يحطّم بعضها بعضاً،

فیقال له: هذا مقعدك، علی الشك كنت، وعلیه مت، وعلیه تبعث إن شاء الله» [ابن ماجه، وصحیح الجامع ۱۹۶۴، وصحیح الترغیب والترهیب].

«رسول الله ﷺ فرمودند: فرشته نزد میت حاضر می شود، پس اگر میت فردی صالح و نیکوکار بود فرشته می گوید: ای روح پاکی که در جسد پاک هستی، خارج شو در حالیکه سپاسگذاری، و او را به بوهای خوش و خوب و رضایت خداوند بشارت می دهد، و همچنان به او این کلمات گفته می شود تا اینکه روح از جسد خارج گردد، سپس بطرف آسمان بالا برده می شود، و طلب استفتاح و باز کردن در آسمان می شود، و گفته می شود: این چه کسی است؟ جواب می دهد: فلان است، اسمش را می گویند، گفته می شود: مرحباً، روح پاکی که در جسد پاک بوده است، خوش آمد شاکر و سپاسگذار داخل شود، و او را به بوهای خوب و خوش و رضایت خداوند و عدم خشم او بشارت می دهند، همچنان این ها به او گفته می شود تا اینکه به آسمانی که در آن خداوند است برسد.

و اگر مرده مردی بدکار باشد به او می گویند: ای روح بد که در جسد پلید و ناپاک هستی خارج شو در حالیکه گناه کرده ای، و پست و ذلیل هستی، و تو را بشارت می دهیم به حرارتی که به انتهایش رسیده است، و سردی که شدت آن قابل تحمل نیست، و تو را به انواع مختلف عذاب بشارت می دهیم، و همچنان به او این کلمات گفته می شود تا روح از بدن خارج گردد، سپس بطرف آسمان بالا برده می شود و طلب باز کردن در آسمان می شود، گفته می شود: این چه کسی است؟ جواب داده می شود: فلان، اسمش ذکر می شود، گفته می شود: این روح خبیث که در جسد خبیث و ناپاک بوده است، خوش نیامد با بار گناه ذلیل و سرزنش شده برگرد، زیرا درهای آسمان بر تو باز نمی شود، پس از آسمان فرستاده می شود و بسوی قبر می رود.

مرد صالح و نیکوکار در قبرش بدون ترس و هول و هیچگونه بیم و هراسی می‌نشیند، و به او گفته می‌شود: به چه دینی بودی؟ جواب می‌دهد: به دین اسلام، و به او گفته می‌شود: چه کسی است آن مردی که بین شما ظهور کرد؟ می‌گوید: محمد رسول الله ﷺ، مبعوث شد در حالیکه با او براهین و آیات و دلایل واضح و آشکار از نزد خداوند بود، و ما او را تصدیق کردیم، به او گفته می‌شود: آیا خداوند را دیده‌ای؟ جواب می‌دهد: نباید در دنیا کسی خدا را ببیند، پس دریچه‌ای از طرف جهنم بسوی او باز می‌شود و به آن نگاه می‌کند در حالیکه بعضی در بعضی دیگر می‌پیچند، و به او گفته می‌شود: نگاه کن و ببین آنچه خداوند تو را از آن نجات داده، سپس دریچه‌ای از طرف بهشت بر او باز می‌شود و او به گل‌ها و آنچه در آن می‌باشد نگاه می‌کند، و به او گفته می‌شود: این مسکن و جایگاه تو است، و به او گفته می‌شود: بر یقین بودی و بر آن یقین مردی، و بر آن روز قیامت مبعوث خواهی شد، **إن شاء الله.**

و مرد سوء و بدکار در قبرش با ترس و خوف می‌نشیند و به او گفته می‌شود: بر چه دینی بودی؟ جواب می‌دهد: نمی‌دانم، به او گفته می‌شود: آنفرد که میان شما مبعوث شد چه کسی است؟ جواب می‌دهد: نمی‌دانم، شنیدم مردم چیزی می‌گویند من هم همان گفتم، پس دریچه‌ای از طرف بهشت بر او باز می‌شود و او به گل‌ها و آنچه در آن هست نگاه می‌کند، و به او گفته می‌شود: نگاه کن به آنچه خداوند تو را از آن محروم کرده، سپس دریچه‌ای از طرف جهنم بر رویش باز می‌شود، و نگاه می‌کند که بعضی با بعضی دیگر در هم می‌پیچند، و به او گفته می‌شود: این مسکن و جایگاه تو است، بر شک بودی، و بر آن شک مردی، و بر آن روز قیامت مبعوث خواهی شد، **إن شاء الله.**

۳۰- خوشحالی مردگان مؤمن بقدم روح مرده مؤمن جدید، بیشتر از خانواده‌ای است که مسافر آنها از سفر آمده است.

۳۱- روح انسان مؤمن وقتی به ارواح مؤمنان دیگر می پیوندد از غم دنیا راحت می شود.

از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا قُبِضَ أَتَتْهُ مَلَائِكَةُ الرَّحْمَةِ بِحَرِيرَةٍ بَيْضَاءَ، يَقُولُونَ: أَخْرَجِي إِلَى رَوْحِ اللَّهِ، فَتَخْرُجُ كَأَطْيَبِ رِيحِ الْمَسْكَ، حَتَّى إِذَا لَيْنَاوَلَهُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا فَيَشْمُونَهُ حَتَّى يَأْتُوا بِهِ بَابِ السَّمَاءِ، يَقُولُونَ: مَا هَذِهِ الرِّيحُ الطَّيِّبَةُ الَّتِي جَاءَتْ مِنَ الْأَرْضِ؟ وَلَا يَأْتُونَ بِمَاءٍ إِلَّا قَالُوا مِثْلَ ذَلِكَ، حَتَّى يَأْتُوا بِهِ أَرْوَاحُ الْمُؤْمِنِينَ، فَإِنَّهُمْ أَشَدَّ فَرَحًا بِهِ مِنْ أَهْلِ الْغَائِبِ بِغَائِبِهِمْ، يَقُولُونَ: مَا فَعَلَ فُلَانٌ؟ يَقُولُونَ: دَعَاهُ حَتَّى يَسْتَرِيحَ فَإِنَّهُ كَانَ فِي غَمِّ الدُّنْيَا، يَقُولُونَ: قَدْ مَاتَ، أَمَا أَتَاكُمْ؟ يَقُولُونَ: ذَهَبَ بِهِ إِلَى أُمِّهِ الْهَآوِيَةِ. وَأَمَّا الْكَافِرُ فَيَأْتِيهِ مَلَائِكَةُ الْعَذَابِ بِمَسْحٍ يَقُولُونَ: أَخْرَجِي إِلَى غَضَبِ اللَّهِ، فَتَخْرُجُ كَأَنَّ رِيحَ جَيْفَةٍ، فَيَذْهَبُ بِهِ إِلَى بَابِ الْأَرْضِ» [ابن حبان، ابن ماجه، وصحيح الترغيب والترهيب].

«وقتی روح انسان مؤمن قبض و گرفته می شود فرشته‌های رحمت با ابریشمی سفید رنگ می آیند و می گویند: بسوی رحمت خداوند خارج شو، روح مؤمن مانند بهترین بوی عطر مشک بیرون می شود، بطوریکه فرشتگان آن را دست بدست می گردانند، و بوی آن را استشمام می کنند، تا اینکه به دروازه آسمان می برند، نگهبانان آسمان می گویند: این بوی خوبی که از زمین آمده چیست؟ و فرشتگان به هر آسمانی که می رسند این جمله به آنها گفته می شود، تا اینکه روح این فرد را نزد ارواح مؤمنین می برند، خوشحالی مؤمنین بیشتر از خوشحالی کسانی است که مسافر آنها از سفر می آید، ارواح مؤمنین از او می پرسند: فلانی چه کار کرد؟ فرشتگان می گویند: او را بگذارید تا استراحت کند زیرا او در غم دنیا بوده است،

بالآخره در جواب آنها می‌گویند: او فوت کرد، آیا نزد شما نیامد؟ آنها می‌گویند: او به جایگاهش در جهنم برده شده است.

اما فرد کافر فرشته‌های عذاب با پارچه‌ای که از مو بافته شده است می‌آیند و به او می‌گویند: بسوی خشم خداوند بیرون شو، پس روح کافر مثل بد بوت‌ترین بوی حیوان مرده بیرون می‌شود، فرشتگان آن را بسوی دروازه زمین می‌برند».

۳۲- ادامه نمایش و نشان دادن مسکن و جایگاه انسان در قبر، از بهشت یا از جهنم.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ﴾ [غافر: ۴۶].

«عذاب آنها آتش است که هر صبح و شام بر آن عرضه می‌شوند؛ و روزی که قیامت برپا شود (می‌فرماید): «آل فرعون را در سخت‌ترین عذاب‌ها وارد کنید!»».

ابن عمر رضی الله عنهما روایت می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «إِنَّ أَحَدَكُمْ إِذَا مَاتَ غُرِضَ عَلَيْهِ مَقْعَدُهُ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ، إِنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ، فَمِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَإِنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ، فَمِنْ أَهْلِ النَّارِ، فَيَقَالُ: هَذَا مَقْعَدُكَ حَتَّى يَبْعَثَكَ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» [متفق علیه].

«وقتی یکی از شما فوت کرد و دنیا را وداع گفت: هر صبح و شام جایگاهش بر او عرضه می‌شود، اگر از اهل بهشت است، پس از بهشتیان، و اگر از اهل دوزخ است، پس از دوزخیان بر او عرضه می‌شود، و به او گفته می‌شود: این جایگاه و مسکن تو است تا اینکه خداوند تو را روز قیامت حشر نماید».

۳۳- شنیدن حیوانات صدای کسانی که در قبرهایشان عذاب می‌بینند.

از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «إِنَّ الْمَوْتَى لَيَعَذَّبُونَ فِي قُبُورِهِمْ، حَتَّى إِنَّ الْبَهَائِمَ لَتَسْمَعُ أَصْوَاتَهُمْ» [صحيح الجامع ۱۹۶۱].



«مردگان در قبرهایشان عذاب داده می‌شوند، تا اینکه حیوانات از شدت عذاب صدای آنها را می‌شنوند».

۳۴- قبر اولین منزل از منازل آخر است.

از هانی مولى عثمان بن عفان رضی الله عنه روایت است که: عثمان بن عفان وقتی بر قبر می‌ایستاد گریه می‌کرد، به اندازه‌ای که ریشش خیس می‌شد، به او گفته شد: تو را از بهشت و جهنم با خبر می‌کنند گریه نمی‌کنی! ولی از خبر قبر گریه می‌کنی؟ فرمود: شنیدم رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «القبر أول منزلة من منازل الآخرة، فإن نجا منه فما بعده أيسر منه، وإن لم ينج فما بعده أشد».

«قبر اولین منزل از منازل آخرت است، اگر انسان از آن نجات یافت بعد از آن آسان‌تر است، و اگر نجات نیافت بعد از آن شدیدتر است».

و فرمود: شنیدم که صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «ما رأیت منظراً قط، إلاّ والقبر أظع منه» [صحیح الترغیب والترهیب].

«هرگز منظر وحشتناکی ندیدم، مگر اینکه قبر وحشتناکتر از آن است».

۳۵- قبر کسانی که در معصیت افتاده‌اند پر از ظلمت و تاریکی می‌شود: رسول

اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «إِنَّ هَذِهِ الْقُبُورَ مَمْتَلِئَةٌ عَلَى أَهْلِهَا ظِلْمَةً، وَإِنَّ اللَّهَ

يُنُورُهَا لَهُمْ بِصَلَاتِي عَلَيْهِمْ» [صحیح الترغیب والترهیب].

«این قبرها بر کسانی که در آن خوابیده‌اند تاریک است و خداوند آن را بدعای من برای ایشان نورانی می‌کند».

۳۶- افراد زنده توانائی شنیدن عذاب قبر را ندارند.

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «إِنَّ هَذِهِ الْأُمَّةَ تَبْتَلِي فِي قُبُورِهَا، فَلَوْلَا أَنْ لَا تَدَانُفُوا،

لِدَعْوَتِ اللَّهِ أَنْ يَسْمَعَكُمْ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ الَّذِي أَسْمَعُ مِنْهُ» [مسلم وغيره].

«این امت در قبورشان مبتلی می‌شوند، و اگر دفن نمی‌شدید دعا می‌کردم خداوند از عذابی که در قبر است و من آن را می‌شنوم، شما را از آن بشنواند».

۳۷- خوردن از درخت بهشت قبل از روز قیامت، رسول الله ﷺ فرمودند:

«إِنَّمَا نَسْمَةُ الْمُؤْمِنِ طَائِرٌ يَعْلُقُ فِي شَجَرِ الْجَنَّةِ، حَتَّى يَبْعَثَهُ اللَّهُ إِلَى جَسَدِهِ يَوْمَ يَبْعَثُهُ» [صحيح الجامع ۲۳۶۹].

«در حقیقت روح انسان مؤمن پرنده‌ای است که از درختان بهشت می‌خورد تا روز قیامت خداوند آن را به جسدش برگرداند».

۳۸- روح انسان مؤمن به وام و قرضی که به عهده اوست معلق است،

پیامبر ﷺ می‌فرماید: «نفس المؤمن معلقة بدينه حتى يقضى عنه» [الترمذی وصحيح الجامع ۶۶۵۵].

«روح مؤمن به وام و قرضی که به عهده اوست معلق است، تا اینکه وام و قرض او پرداخت شود».

۳۹- دعای فرشتگانی که در آسمان هستند برای بنده مؤمن، رسول الله ﷺ

فرمودند: «إِذَا خَرَجَ رُوحُ الْعَبْدِ الْمُؤْمِنِ تَلْقَاهَا مَلَكَانِ يَصْعَدَانِ بِهَا -

فَذَكَرَ مِنْ رِيحٍ طَيِّبَةٍ - وَيَقُولُ أَهْلُ السَّمَاءِ: رُوحٌ طَيِّبَةٌ، جَاءَتْ مِنْ قَبْلِ

الْأَرْضِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ، وَعَلَى جَسَدِكَ كُنْتَ تَعْمُرِينَهُ، فَيَنْطَلِقُ بِهِ إِلَى

رَبِّهِ، ثُمَّ يَقُولُ: انْطَلِقُوا بِهِ إِلَى آخِرِ الْأَجْلِ. وَإِنَّ الْكَافِرَ إِذَا خَرَجَ رُوحُهُ

- فَذَكَرَ مِنْ نَتْنِهَا - وَيَقُولُ أَهْلُ السَّمَاءِ: رُوحٌ خَبِيثَةٌ جَاءَتْ مِنْ قَبْلِ

الْأَرْضِ، فَيَقَالُ: انْطَلِقُوا بِهِ إِلَى آخِرِ الْأَجْلِ» [مسلم].

«وقتی روح بنده مؤمن از جسدش خارج شد، دو فرشته آن را گرفته به آسمان

می‌برند، بعد آنحضرت از بوی خوب و خوش آن یاد کردند، و أهل آسمان، یعنی:

فرشتگان می‌گویند: روح خوبی از طرف زمین آمده، و دعا می‌کنند و می‌گویند:

درود خدا بر تو باد و بر جسدی که بر آن عمر کردی، و بطرف خدا برده می‌شود، پس خداوند می‌فرماید: آن را به آخرین موعدی که دارد ببرید. و وقتی روح کافر از جسدش خارج می‌شود، و آنحضرت بوی بد آن را یاد کردند و فرمودند: فرشته‌های آسمان می‌گویند: روح پلید و بدی از طرف زمین آمده، و گفته می‌شود: آن را بطرف آخرین موعدا او ببرید».

۴۰- نورانی شدن قبر انسان مؤمن.

۴۱- خواب انسان مؤمن در قبرش.

۴۲- شوق مرده به بشارت اهل خود، رسول الله ﷺ فرمودند: «إِذَا قُبِرَ الْمَيِّتُ أَتَاهُ مَلَكَانِ أَسْوَدَانِ أَزْرَقَانِ، يُقَالُ لِأَحَدِهِمَا الْمُنْكَرُ وَاللَّآخِرُ التَّكْبِيرُ، فَيَقُولَانِ: مَا كُنْتَ تَقُولُ فِي هَذَا الرَّجُلِ؟ فَيَقُولُ: مَا كَانَ يَقُولُ هُوَ: عَبْدِ اللَّهِ وَرَسُولَهُ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، فَيَقُولَانِ: قَدْ كُنَّا نَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُولُ، ثُمَّ يَفْسَحُ لَهُ فِي قَبْرِهِ سَبْعُونَ ذِرَاعًا فِي سَبْعِينَ، ثُمَّ يَنْوِّرُ لَهُ فِيهِ، ثُمَّ يُقَالُ: نَمْ، فَيَقُولُ: أَرْجِعْ إِلَى أَهْلِي فَأَخْبِرْهُمْ، فَيَقُولَانِ: نَمْ كِنُومَةَ الْعُرُوسِ الَّذِي لَا يُوَقِّظُهُ إِلَّا أَحَبُّ أَهْلِهِ إِلَيْهِ، حَتَّى يَبْعَثَهُ اللَّهُ مِنْ مَضْجَعِهِ ذَلِكَ، وَإِنْ كَانَ مُنَافِقًا قَالَ: سَمِعْتُ النَّاسَ يَقُولُونَ قَوْلًا، فَقُلْتُ مِثْلَهُ، لَا أَدْرِي، فَيَقُولَانِ: قَدْ كُنَّا نَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُولُ ذَلِكَ، فَيُقَالُ لِلْأَرْضِ: التَّئِي عَلَيْهِ، فَتَلْتَمُّ عَلَيْهِ، فَتَخْتَلِفُ أَضْلَاعَهُ، فَلَا يَزَالُ فِيهَا مَعَذِبًا، حَتَّى يَبْعَثَهُ اللَّهُ مِنْ مَضْجَعِهِ ذَلِكَ» [اصحیح الجامع ۷۳۷].

«وقتی مرده دفن شد دو فرشته سیاه رنگ که مشابه به آبی هستند، و یکی منکر و دیگری نکیر نام دارد به نزد میت می‌آیند، و به او می‌گویند: در مورد مردی که در بین شما مبعوث شد چه می‌گفتی؟ جواب می‌دهد: آنچه او می‌گفت: بنده خدا و فرستاده

اوست، و گواهی می‌دهم که معبودی بحق جز خدای یکتا نیست، و گواهی می‌دهم که محمد بنده و فرستاده خداست، پس می‌گویند: ما می‌دانستیم که چنین خواهی گفت، سپس قبر او به طول هفتاد ذراع و عرض هفتاد ذراع وسعت پیدا می‌کند، و نورانی می‌شود، و به او گفته می‌شود: بخواب، جواب می‌دهد: برمی‌گردم به خانه‌ام و آنها را خبر می‌کنم، می‌گویند: بخواب همچنانکه عروس می‌خوابد و بیدار نمی‌شود بجز وقتی محبوبترین افراد خانواده او را از خواب بیدار می‌کند، تا اینکه خداوند او را روز قیامت حشر نماید».

و اگر منافق باشد می‌گوید: شنیدم مردم چیزی می‌گویند، من هم همچنان گفتم، نمی‌دانم چه نام دارد، پس دو فرشته می‌گویند: ما می‌دانستیم که چنین خواهی گفت، و به زمین گفته می‌شود: او را درهم بفشار، پس او را بهم می‌فشارد تا اینکه دنده‌های بدنش در هم شکسته شود، و همچنان عذاب می‌بیند تا اینکه خداوند او را روز قیامت حشر نماید.

۴۳- قبر انسان مؤمن از گل‌ها و سبزی‌ها تا روز قیامت پر می‌شود، رسول الله ﷺ می‌فرماید: «إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا وُضِعَ فِي قَبْرِهِ وَتَوَلَّى عَنْهُ أَصْحَابُهُ، حَتَّىٰ إِنَّهُ يَسْمَعُ قَرَعَ نَعَالِهِمْ، أَتَاهُ مَلَكَانِ فَيَقْعِدَانِهِ، فَيَقُولَانِ لَهُ: مَا كُنْتَ تَقُولُ فِي هَذَا الرَّجُلِ؟ - لِمَحْمَدٍ - فَأَمَّا الْمُؤْمِنُ فَيَقُولُ: أَشْهَدُ أَنَّ عَبْدَ اللَّهِ وَرَسُولَهُ، فَيَقَالُ: انْظُرْ إِلَىٰ مَقْعَدِكَ مِنَ النَّارِ، قَدْ أَبْدَلَكَ اللَّهُ بِهِ مَقْعَدًا مِنَ الْجَنَّةِ، فَيَرَاهُمَا جَمِيعًا، وَيَفْسَحُ لَهُ فِي قَبْرِهِ سَبْعُونَ ذِرَاعًا وَيَمْلَأُ عَلَيْهِ خَضْرَاءً إِلَىٰ يَوْمِ يَبْعَثُونَ. وَأَمَّا الْكَافِرُ أَوْ الْمُنَافِقُ، فَيَقَالُ لَهُ: مَا كُنْتَ تَقُولُ فِي هَذَا الرَّجُلِ؟ فَيَقُولُ: لَا أَدْرِي، كُنْتُ أَقُولُ مَا يَقُولُ النَّاسُ، فَيَقَالُ لَهُ: لَا دَرِيَّةَ وَلَا تَلِيَّةَ، ثُمَّ يَضْرِبُ بِمِطْرَاقٍ مِنْ حَدِيدٍ ضَرْبَةً بَيْنَ أُذُنَيْهِ، فَيَصِيحُ صَيْحَةً يَسْمَعُهَا مَنْ يَلِيهِ غَيْرَ الثَّقَلَيْنِ، وَيَضِيقُ عَلَيْهِ قَبْرَهُ حَتَّىٰ تَخْتَلِفُ أَضْلَاعُهُ» [متفق عليه].

«وقتی که بنده خدا دفن شد و دوستانش از اطراف او دور شدند، و او صدای پای آنها را می شنود، دو فرشته نزد او می آیند و او را می نشانند و به او می گویند: در مورد این مرد چه می گفتمی؟ - یعنی محمد ﷺ - پس اگر مؤمن باشد می گوید: گواهی می دهم که او بنده و فرستاده خداست، پس به او گفته می شود: نگاه کن بسوی جایگاهت که از جهنم است، و خداوند آن را به جایگاه و مسکنی از بهشت تبدیل کرده، و همه آن را می بیند، و قبر او هفتاد ذراع وسعت پیدا می کند، و از گل ها و سبزیها تا روز قیامت پر می شود، و اما کافر و یا منافق به او گفته می شود: چه می گفتمی در باره مردی که میان شما ظهور کرد؟ جواب می دهد: نمی دانم، آنچه مردم می گفتند، می گفتم، پس به او گفته می شود: ندانستی و نخواندی، سپس ضربتی با چکشی از آهن بین دو گوش او زده می شود و فریاد و نعره ای می کشد که بجز انس و جن سایر اطرفیانش آواز او را می شنوند، و قبر بر او تنگ می شود تا اینکه دنده هایش در هم شکسته شود».

۴۴- جواب انسان مؤمن در قبر هدایتی از جانب خداوند است که به او داده می شود.

۴۵- در قبر از میت بجز از عبادت و دین سؤال دیگری نمی شود.

رسول الله ﷺ می فرماید: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا وَضِعَ فِي قَبْرِهِ أَتَاهُ مَلَكٌ فَيَقُولُ لَهُ: مَا كُنْتَ تَعْبُدُ؟ فَإِنَّ اللَّهَ هَدَاهُ قَالَ: كُنْتُ أَعْبُدُ اللَّهَ، فَيَقُولُ لَهُ: مَا كُنْتَ تَقُولُ فِي هَذَا الرَّجُلِ؟ فَيَقُولُ: هُوَ عَبْدُ اللَّهِ وَرَسُولُهُ، فَمَا يَسْأَلُ عَنْ شَيْءٍ غَيْرِهَا، فَيَنْطَلِقُ بِهِ إِلَى بَيْتٍ كَانَ فِي النَّارِ، فَيَقُولُ لَهُ: هَذَا بَيْتُكَ كَانَ فِي النَّارِ، وَلَكِنَّ اللَّهَ عَصَمَكَ وَرَحِمَكَ، فَأَبْدَلَكَ بِهِ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ، فَيَقُولُ: دَعَوْنِي حَتَّى أَذْهَبَ فَأُبَشِّرَ أَهْلِي، فَيَقَالُ لَهُ: أَسْكُنْ؛ وَإِنَّ الْكَافِرَ إِذَا وَضِعَ فِي قَبْرِهِ، أَتَاهُ مَلَكٌ فَيَنْتَهَرُهُ، فَيَقُولُ لَهُ: مَا كُنْتَ تَعْبُدُ؟ فَيَقُولُ: لَا أُرَدِي، فَيَقَالُ لَهُ: لَا دَرِيَّتَ وَلَا تَلِيَّتَ، فَيَقَالُ: فَمَا كُنْتَ تَقُولُ فِي هَذَا الرَّجُلِ؟ فَيَقُولُ: كُنْتُ أَقُولُ مَا تَقُولُ النَّاسُ، فَيَضْرِبُهُ بِمِطْرَاقٍ مِنْ حَدِيدٍ بَيْنَ

أذنيه، فيصيح صيحة يسمعها الخلق غير الثقلين» [أبو داود، وصحيح الجامع ۱۹۲۶].

«وقتی بنده مؤمن دفن شد فرشته‌ای بر او وارد می‌شود و به او می‌گوید: چه چیزی را عبادت می‌کردی؟ پس اگر خدا او را هدایت کرده می‌گوید: خداوند را می‌پرستیدم، و به او می‌گوید: در مورد مردی که میان شما ظهور کرد چه می‌گفتی؟ جواب می‌دهد: او بنده خدا و فرستاده اوست، پس از او چیز دیگری سؤال نمی‌شود، و او بطرف خانه‌ای که در جهنم است برده می‌شود، و به او گفته می‌شود: این خانه تو است، ولیکن خداوند بر تو رحم کرده و تو را از آن نجات داده، و آن را به خانه‌ای در بهشت تبدیل کرده است، پس مرده می‌گوید: بگذارید به خانه‌ام رفته آنها را با خبر کنم، پس به او گفته می‌شود: اینجا مسکن بگیر.

وقتی کافر در قبر دفن شد، فرشته‌ای بر او وارد شده و او را توبیخ می‌کند و به او می‌گوید: چه کسی را عبادت می‌کردی؟ جواب می‌دهد: نمی‌دانم، پس به او گفته می‌شود: ندانستی و نخواندی، و به او گفته می‌شود: در مورد مردی که میان شما ظهور کرد چه می‌گفتی؟ جواب می‌دهد: می‌گفتم آنچه مردم می‌گفتند، پس به او با چکش آهنی بین دو گوشش ضربه‌ای می‌زند، و فریاد و نعره‌ای می‌کشد که تمامی خلق بجز انس و جن صدای او را می‌شنوند».

۴۶- آنچه روی زمین می‌گذرد مردگان نمی‌شنوند، خداوند می‌فرماید: ﴿فَأِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تَسْمَعُ الدَّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ﴾ ﴿۵۲﴾ [الروم: ۵۲].

«تو نمی‌توانی صدای خود را به گوش مردگان برسانی، و نه سخنت را به گوش کران هنگامی که روی برگردانند و دور شوند!».

۴۷- کفاری که در جنگ بدر کشته شدند و در چاه‌انداخته شدند سخن پیامبر ﷺ را شنیدند، اما توانایی جواب دادن را نداشتند.

در بخاری به ثبوت رسیده است که رسول الله ﷺ کنار اهل چاه ایستادند و فرمودند: «وجدتم ما وعدكم ربكم حقاً» فقيل له: تدعو أمواتاً؟ فقال: «ما أنتم بأسمع منهم ولكن لا يجيبون» [البخاری].

«آیا آنچه پروردگار شما به شما وعده داده بود حقیقت یافتید؟ بعضی از یاران گفتند: آیا مردگان را صدا می زنی؟ رسول الله ﷺ فرمود: شما بهتر از آنها نمی شنوید، ولی آنها نمی توانند جواب بدهند».

۴۸- اشتیاق صحابه و یاران در برزخ، آنهایی که در راه خدا شهید شدند، به برادرانشان که زنده اند، تا اینکه آنها را از کرامتی که برای شهداء آماده شده با خبر سازند، رسول الله ﷺ به یاران خود فرمودند: «لَمَّا أُصِيبَ إِخْوَانُكُمْ بِأَحَدٍ، جَعَلَ اللَّهُ أَرْوَاحَهُمْ فِي جَوْفِ طَيْرٍ خُضِرَ، تَرِدُ أَنْهَارَ الْجَنَّةِ، تَأْكُلُ مِنْ ثَمَرِهَا، وَتَأْوِي إِلَى قَنَادِيلٍ مِنْ ذَهَبٍ، مَعْلُوقَةٍ فِي ظِلِّ الْعَرْشِ، فَلَمَّا وَجَدُوا طَيْبَ مَأْكَلِهِمْ وَمَشْرَبِهِمْ وَمَقِيلَهُمْ، قَالُوا: مَنْ يَبْلُغُ إِخْوَانَنَا عَنَّا أَتَا أَحْيَاءَ فِي الْجَنَّةِ نَرْزُقُ، لِئَلَّا يَزْهَدُوا فِي الْجِهَادِ، وَلَا يَنْكَلُوا عِنْدَ الْحَرْبِ؟ فَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى: أَنَا أَبْلُغُهُمْ عَنْكُمْ» [أحمد وأبو داود، والحاكم، وصحیح الجامع ۵۰۸۱].

«وقتی برادران شما در عزوه أُحُد شهید شدند خداوند ارواحشان را در داخل پرندگان سبز رنگ که در بهشت هستند داخل کرد، و این پرندگان به رودهای بهشت آمده و از میوه های آن می خورند و بطرف فانوس و شمعدانی از طلا که به ظل و سایه عرش خدا معلق است باز می گردند، و وقتی لذت خوردن و آشامیدن و خوابیدن را احساس کردند، گفتند: چه کسی برادرانمان را با خبر می سازد از ما که در بهشت زنده هستیم، و رزق و روزیمان به ما می رسد، تا اینکه از جهاد در راه خدا چشم

---

پوشی نکنند و دست نکشند، و از جنگ ناراحت نشوند، خداوند فرمود: من آنها را از شما با خبر می‌کنم».



## فصل چهارم:

### عذاب جسمانی کہ گناہکاران در قبرشان می بینند

عن سمرة بن جندب رضي الله عنه قال: كان رسول الله ﷺ مما يكثر أن يقول لأصحابه: هل رأى أحدٌ منكم من رؤيا؟ فيقص عليه من شاء الله أن يقص، وأنه قال لنا ذات غداة: إنَّه أتاني الليلة آتيان، وإنَّهما قالَا لي: انطلق، وإنِّي انطلقتُ معهما، وإنَّا أتينا على رجل مضطجع، وإذا آخر قائم عليه بصخرة، وإذا هو يهوي بالصخرة لرأسه، فيثلغ رأسه، فيتدهده الحجر هاهنا، فيتبع الحجر فيأخذه، فلا يرجع إليه حتى يصح رأسه كما كان، ثم يعود عليه فيفعل به مثل ما فعل المرّة الأولى، قال: قلت لهما: سبحان الله! ما هذان؟ قالَا لي: انطلق انطلق، فانطلقنا فأتينا على رجل مستلق لقفاه، وإذا آخر قائم عليه بكلوب من حديد، وإذا هو يأتي أحد شقي وجهه، فيشرشر شدقه إلى قفاه، ومنخره إلى قفاه، وعينه إلى قفاه، ثم يتحول إلى الجانب الآخر فيفعل به مثل ما فعل بالجانب الأول، فما يفرغ من ذلك الجانب حتى يصح ذلك الجانب كما كان، ثم يعود عليه، فيفعل مثل ما فعل في المرّة الأولى، قال: قلت: سبحان الله! ما هذان؟ قالَا لي: انطلق انطلق، فانطلقنا فأتينا على مثل التَّنَّور، فأحسب أنَّه قال: فإذا فيه لغط وأصوات، فاطلعا فيه فإذا فيه رجال ونساء عراة، وإذا هم يأتهم لهب من أسفل منهم، فإذا أتاهم ذلك اللهب ضوضوا، قلت: ما هؤلاء؟ قالَا لي: انطلق انطلق، فانطلقنا فأتينا على نهر حسبتُ أنَّه كان يقول: أحمر مثل الدم، وإذا في التَّهر رجل سابع يسبح، وإذا على شط التَّهر رجل قد جمع عنده حجارة كثيرة،

وإذا ذلك السابح يسبح ما يسبح ثم يأتي ذلك الذي قد جمع عنده الحجارة، فيفغر له فاه فيلقمه حجراً، فينطلق فيسبح، ثم يرجع إليه، كلما رجع إليه فغر له فاه فألقمه حجراً، قلتُ لهما: ما هذان؟ قالوا لي: انطلق انطلق، فانطلقنا فأتينا على رجل كرية المرأة، أو كأكره ما أنت راء رجلاً مرأى، فإذا هو عنده نار يحشها ويسعى حولها، قلتُ لهما: ما هذا؟ قالوا لي: انطلق انطلق، فانطلقنا فأتينا على روضة معتمة فيها من كل نور الربيع، وإذا بين ظهري الروضة رجل طويل، لا أكاد أرى رأسه طويلاً في السماء، وإذا حول الرجل من أكثر ولدان، ما رأيتهم قط، قلتُ: ما هذا؟ وما هؤلاء؟ قالوا لي: انطلق انطلق، فانطلقنا فأتينا إلى روضة عظيمة لم أرَ دوحة قط أعظم منها ولا أحسن، قالوا لي: ارق فيها، فارتقينا فيها إلى مدينة مبني بلين ذهب ولبن فضة، فأتينا باب المدينة فاستفتحنا، ففتح لنا فدخلناها، فلتقانا رجال شطر من خلقهم كأحسن ما أنت راء، وشطر منهم كأقبح ما أنت راء، قالوا لهم: اذهبوا فقعوا في ذلك التهر، وإذا هو نهر معترض يجري كأنَّ ماءه المحض في البياض، فذهبوا فوقعوا فيه، ثم رجعوا إلينا قد ذهب ذلك السوء عنهم، فصاروا في أحسن صورة، قالوا لي: هذه جنّة عدن، وهاك منزلك، فسما بصري صعداً، فإذا قصر مثل الرابطة البيضاء، قالوا لي: هذاك منزلك، قلتُ لهما: بارك الله فيكما، فذراني فأدخله، قالوا: أما الآن فلا، وأنت داخله، قلتُ لهما: فإني رأيتُ منذ الليلة عجباً فما هذا الذي رأيتُ؟ قالوا لي: أما إننا سنخبرك: أما الرجل الأول الذي أتيتَ عليه يثلغ رأسه بالحجر، فإنَّه الرجل يأخذ القرآن فيرفضه، وينام عن الصلاة المكتوبة، وأما الرجل الذي أتيتَ عليه يشرشر شذقه إلى قفاه، ومنخره إلى قفاه، وعينه إلى قفاه، فإنَّه الرجل يغدو من بيته فيكذب الكذبة تبلغ الآفاق، وأما الرجال والنساء العراة الذين هم في مثل بناء التتور، فإنَّهم الزناة والزواني، وأما الرجل الذي أتيتَ عليه يسبح

في التَّهْر ويلقم الحجارة فإنه آكل الربا، وأما الرجل الكريه المرأة الذي عند التَّار يحشها ويسعى حولها، فإنه مالك خازن جهنم، وأما الرجل الطويل الذي في الروضة، فإنه إبراهيم، وأما الولدان الذين حوله، فكل مولود مات على الفطرة». وفي رواية البرقاني: «ولد على الفطرة»، فقال بعض المسلمين: يا رسول الله: وأولاد المشركين؟ فقال رسول الله ﷺ: وأولاد المشركين، وأما القوم الذين كانوا شطر منهم حسن وشطر منهم قبيح، فإنَّهم قوم خلطوا عملاً صالحاً وآخر سيئاً تجاوز الله عنهم» [البخارى].

وفي رواية له: «رأيت الليلة رجلين أتياي فأخرجاني إلى أرض المقدسة، ثم ذكره وقال: فانطلقنا إلى نقب مثل التَّور، أعلاه ضيق وأسفله واسع، يتوقد تحته ناراً، فإذا ارتفعت ارتفعوا حتى كادوا أن يخرجوا، وإذا خمدت رجعوا فيها، وفيها رجال ونساء عراة، وفيها: حتى أتينا على نهر من دم - ولم يشك - فيه رجل قائم على وسط التَّهر، وعلى شط التَّهر رجل، وبين يديه حجارة، فأقبل الرجل الذي في التَّهر، فإذا أراد أن يخرج رمى الرجل بحجر في فيه، فردّه حيث كان، فجعل كلما جاء ليخرج جعل يرمي في فيه بحجر، فيرجع كما كان، وفيها: فصعدا بي الشجرة فأدخلاني داراً لم أر قط أحسن منها، فيها رجال شيوخ وشباب، وفيها: الذي رأيته يشق شذقه فكذاب يحدث بالكذبة، فتحمل عنه حتى تبلغ الآفاق، فيفعل به إلى يوم القيامة، وفيها: الذي رأيته يشدخ رأسه فرجل علمه الله القرآن، فنام عنه بالليل، ولم يعمل فيه بالتَّهار، فيفعل به إلى يوم القيامة، والدار الأولى التي دخلت، دار عامّة المؤمنين، وأما هذه الدار فدار الشهداء، وأنا جبريل، وهذا ميكائيل، فارفع رأسك، فرفعتُ رأسي فإذا فوقى مثل السحاب، قالوا: ذاك منزلك، قلت: دعاني أدخل منزلي، قالوا: إنّه بقي لك

عمر لم تستکمله، فلو استکملته أتیت منزلك» [البخاری نقل عن ریاض الصالحین، باب تحریم الکذب].

«از سمره بن جندب رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله زیاد از اصحاب و یاران می پرسیدند: آیا یکی از شما خواب و خیالی را در وقت خوابیدن ندیده؟ پس هر کس خواست آنچه در خواب دیده برایش حکایت کند، و یکی از روزها به ما گفت: دیشب دو نفر بر من وارد شدند و به من گفتند: با ما بیا، من هم با آنها رفتم، تا اینکه بر مردی که خوابیده وارد شدیم، و مرد دیگری تخته سنگی را در دست دارد و بطرف سرش پرتاب کرده سرش را شکسته و زخمی می کند، و تخته سنگ می غلطد و از او دور می شود، وی دنبال آن رفته، تخته سنگ را می گیرد، و وقتی بطرف آن مرد باز می گردد زخم و شکستگی او خوب شده و به صورت اولش باز می گردد، پس بار دیگر تخته سنگ را بطرف سر مرد پرتاب کرده و مرد را شکسته و زخمی می کند، فرمود: به آنها گفتم: سبحان الله! این دو چه کسی هستند؟ جواب دادند: با ما بیا، ما بیا، پس با آنها رفتم تا اینکه بر مردی آمدیم که با پشت خود خوابیده و مرد دیگری با قلاب آهنی بر سر او ایستاده و طرفی از صورت، و بینی، و چشم او را با آن قلاب آهنی بطرف زمین می کشد، سپس بطرف دوم می رود و آن را نیز به همین حالت بطرف زمین می کشد، و هنوز طرف دوم را بطرف زمین نکشیده که می بیند طرف اول از آن زخم ها خوب شده، و همین کار را انجام می دهد، فرمود: گفتم: سبحان الله! این ها چه کسانی هستند؟ گفتند: با ما بیا، با ما بیا، پس با آن ها رفتم تا این که به جایی مثل تنور رسیدیم - راوی حدیث می گوید - فکر می کنم گفت: پس دیدم که صدای غوغائی از تنور برپاست، وقتی داخل آن نگاه کردیم دیدم مردان و زنانی لخت و برهنه از لباس در آن هستند، و شعله آتش از پایین آنها زبانه می کشد، و وقتی آتش به آنها می رسد فریاد و نعره می کشند، گفتم: این ها چه کسانی هستند؟ گفتند: با ما بیا، با ما بیا، پس با آنها رفتم تا اینکه به رودخانه ای رسیدیم - راوی حدیث

می گوید - فکر کنم فرمود: رودخانه همانند خون سرخ بود، و مردی را دیدم که در رودخانه شنا می کند، و بر ساحل آن مرد دیگری است که نزد خود سنگلاخ های زیادی جمع کرده، و آن مردی که در رودخانه شنا می کند بعد از شنا به طرف مردی که بر ساحل آن است می آید و مرد شناگر دهان خود را بطرف مردیکه در ساحل است باز کرده و آن مرد سنگی در دهانش می اندازد، و مرد شناگر برگشته به شنای خود ادامه می دهد، سپس بار دیگر بطرف ساحل برمی گردد و دهانش را باز می کند و مرد دومی سنگی را در دهانش می اندازد، و همین کار را ادامه می دهد، پس گفتم: این ها چه کسانی هستند؟ گفتند: با ما بیا، با ما بیا، پس با آنها رفتم تا اینکه به مردی زشت و بد منظر مانند زشت ترین مردی که پیدا شود رسیدیم، و نزد او آتشی بود که آن را روشن می کرد و دور آن می گشت، به آنها گفتم: این مرد چه کسی است؟ گفتند: با ما بیا، با ما بیا، پس با آنها رفتم تا اینکه به بستانی پر از درخت رسیدیم که در آن از تمامی گل ها بهاری وجود دارد، و در بین این بستان مردی است بلند قامت، و از بلندی او سرش در آسمان پیدا نمی شود، و گرداگرد او بچه های خیلی زیادی هستند که از زیادی این بچه ها همچین ندیده ام، گفتم: این مرد چه کسی است؟ و این بچه ها چه کسانی هستند؟ گفتند: با ما بیا، با ما بیا، پس با آنها رفتم تا اینکه به بوستانی بزرگ که در آن درختانی خیلی بلندی بود رسیدیم، چنین درخت های بلند و زیبایی ندیده بودم، به من گفتند: بالای بوستان برو، پس رفتم بالا به شهری رسیدیم که با خشت های طلا و نقره ساخته شده بود، و به این شهر آمدیم و در آن را زدیم، در باز شد و داخل شدیم و دیدیم مردانی هستند که نیمی او بدنشان مانند بهترین چیزی که دیدی، و نیمی دیگر مانند بدترین و زشت ترین چیزی که تو دیدی، به آن مردها گفتند: بروید خود را در آن رود بیاندازید، و رودی دیدم دراز و جاری، و آب آن همانند شیر سفید بود، پس رفتند و خود را در آن رود انداختند، و وقتی برگشتند آن بدی و زشتی از آنها رفته و به شکل خیلی خوشگل و زیبا در آمده بودند.

فرمود: به من گفتند: ابن بهشت و جنات عدن است، و آنهم منزل و خانه تو است، پس چشمم را بلند کردم قصری را همانند ابرهای سفید دیدم، به من گفتند: این منزل و خانه تو است، فرمود: به آنها گفتم: «بارک الله فیکم!» «خدا شما را برکت دهد» بگذارید داخل آن شوم، گفتند: اما الآن نه، ولی روز قیامت در آن داخل خواهی شد، فرمود: به آنها گفتم حقیقتاً که دیشب چیزهای عجیبی را دیدم، پس آن چه بود که دیدم؟ گفتند: از آنها تو را با خبر خواهیم کرد.

اما مرد اولی که بر آن وارد شدی و یکی سرش را با سنگ می شکست، او مردی است که قرآن را گرفته و حفظ کرده ولی قبول نمی کند و آن را مرفوض و مردود می داند، و از نمازهای پنجگانه می خوابد و آن را بجا نمی آورد.

و مردی که بر او وارد شدی و مرد دیگری طرف صورت، و بینی، و چشمش را با قلاب آهنی بطرف زمین می کشید او مردی است که وقتی از خانه اش بیرون می رود دروغ می گوید و این دروغش به افق، یعنی: به همه جا می رسد، ولی مردان و زنانیکه در تنور برهنه و لخت بودند آنها زناکاران و بی عفتان هستند، و مردی که شنا می کرد و دیگری سنگی در دهانش می انداخت او کسی است که ربا و سود حرام می خورد، و مرد زشت و بد منظر که آتش روشن می کرد و اطراف آن می گشت، او مالک خازن و خزانه دار جهنم است، و مرد بلند قامت که در بوستان دیدی او ابراهیم علیه السلام است، و بچه ها که دور او جمع بودند، هر بچه ای که بر فطرت الهی از دنیا می رود، - روایت دیگر - هر بچه و مولودی که بر فطرت الهی بدنیا آمده، بعضی از مسلمانان از رسول الله صلی الله علیه و آله پرسیدند: بر اولاد مشرکین چه می شود؟ فرمود: همچنین اولاد مشرکین که بر فطرت از دنیا می روند با آنها خواهند بود.

و اما کسانی که نیمی از آنها خوب و نیمی دیگر زشت بودند، آنها کسانی هستند که عمل صالح و نیک را با عمل بد با هم مخلوط کرده اند و خداوند از آنها تجاوز و عفو فرمودند.

«و در روایت دیگر است: پس به جایی که مانند تنور بود رسیدیم، که بالای آن تنگ و پایین آن وسیع بود، و زیر آن آتش برپا بود، وقتی آتش زبانه کشیده و بالا آمد آتھائیکه در آن هستند همراه شعله آتش بالا می آیند تا اینکه نزدیک است از آن خارج شوند، و وقتی شعله آن پایین رفت همراه آن به پایین می روند، و در آن مردان و زنان لخت و برهنه هستند».

«و در روایت دیگر آمده که: تا اینکه بر رودی از خون رسیدیم - در اینجا راوی حدیث شک نکرد - و مردی در وسط رود ایستاده، و بر ساحل رود مرد دیگری است و سنگلاخ های زیادی نزد اوست، و وقتی مردی که در داخل رود است خواست بیرون رود او سنگ در دهانش پرتاب می کند و نمی گذارد از رود خارج شود و آن مرد برمی گردد و به شنای خود ادامه می دهد، و همین کار را همچنان انجام می دهد».

«و در روایت دیگر است که: مرا به بالای درختی بردند و داخل خانه ای کردند، چنین خانه ای از خوبی آن ندیده بودم، و در آن مردان پیر و جوان بودند».

«و در روایت دیگر است: آنکه دیدم صورتش را بطرف زمین می کشد فرد دروغگو است که دروغ می گوید و دروغ او به آفاق می رسد، و تا روز قیامت با او چنین رفتار می شود».

«و در روایت دیگر: آن مردی که سرش می شکست کسی است که خداوند به او قرآن یاد داده و او از نماز سنت شب خوابیده، و در روز به آن قرآن عمل نکرده است».

و خانه اولی که داخل شدی خانه تمامی مؤمنان است، و اما خانه دومی خانه شهداء است، و من جبریل هستم و این که همراه من است میکائیل است، و سرت را بلند کن، سرم را بلند کردم بالای سرم همانند ابری را دیدم، گفتند آن منزل تو است، گفتم: بگذارید داخل منزل شوم، گفتند: هنوز عمر تو باقی است، وقتی عمرت پایان رسید داخل آن خواهی شد.





## فصل پنجم:

### از گناهانی که گناهکاران در قبرشان بخاطر آن عذاب

#### می بینند

۱- عذاب کسیکه قرآن را حفظ کرده و بعد آن را مردود دانسته و قبول نمی‌کند، و خوابیدن از نمازهای فرض پنجگانه:

قبلاً آن را در حدیث سمره بن جندب با ترجمه آن ذکر کردیم که در حدیث آمده بود:

ما بر مردی وارد شدیم که خوابیده بود و دیگری با تخته سنگی بالای سر او ایستاده است، و آن تخته سنگ را بطرف سر آن مردی که خوابیده پرتاب می‌کند و سرش را می‌شکند، و سنگ غلطیده به کناری می‌افتد و مرد دومی بطرف تخته سنگ رفته و آن را گرفته برمی‌گردد و وقتی برگشت سر مرد اولی از زخم و شکستگی خوب شده است، و همچنین این کار را انجام می‌دهد، سپس در آخر حدیث فرشتگان این را به رسول الله ﷺ گفتند که: او شخصی است که قرآن را گرفته و حفظ کرده سپس آن را قبول نمی‌کند، و هنگام نمازهای فرض و پنجگانه می‌خوابد - و در روایتی است که: این عمل تا روز قیامت با او انجام می‌شود.

#### ۲- عذاب دروغگو:

در حدیث سمره بن جندب رضی الله عنه آمده که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: رفتیم تا اینکه به مردی رسیدیم که به پشت خوابیده و دیگری بالای سرش ایستاده و قلاب آهنی در دست داشت، و با آن قلاب طرفی از صورت، و بینی، و چشم آن مرد را بطرف زمین می‌کشد، سپس بطرف دوم او رفته و همین کار را انجام می‌دهد، و هنوز از طرف دوم

او تمام نشده که طرف اول او خوب می‌شود، و همین کار را تکرار می‌کند، و در آخر حدیث آمد که: این شخص دروغگو است که وقتی از خانه‌اش بیرون می‌رود دروغ می‌گوید و آن دروغ به آفاق دنیا می‌رسد، - و در روایتی است - که این عمل تا روز قیامت با او انجام می‌شود.

### ۳- عذاب مردان و زنان زناکار و بی‌عفت:

در حدیث سابق آمده که رسول الله ﷺ فرمودند: رفتیم تا اینکه به چیزی مانند تنور و کوره آتشی رسیدیم، و از آن صدای غوغائی می‌آمد، و وقتی در آن نگاه کردیم زنان و مردان لخت و برهنه را دیدیم که از پایین آنها آتش زبانه می‌کشد، و وقتی آتش به آنها رسید نعره و فریاد می‌کنند، و در آخر حدیث آمده که: این‌ها مردان و زنان زناکار و بی‌عفت هستند.

### ۴- عذاب ربا خواری و سود حرام:

همچنین در حدیث سابق ذکر شد که رسول الله ﷺ فرمودند: رفتیم تا اینکه به رودخانه‌ای رسیدیم، راوی حدیث می‌گوید: فکر کنم فرمود: رنگ آن همانند خون سرخ بود، و در آن رودخانه شناگری بود که شنا می‌کرد، و بر ساحل آن رود مرد دیگری بود که سنگلاخ‌های زیادی نزد خود جمع کرده و آن شناگر شنا کرده سپس بطرف ساحل آمده، و آن مرد دومی سنگی در دهان او پرتاب می‌کند، سپس برگشته و شنا می‌کند، و این عمل را تکرار می‌کند، و در آخر حدیث آمد که این شخصی است که ربا و سود حرام می‌خورد.

### ۵- عذاب کسیکه ادرار و پیشاب خود را تمیز و پاک نمی‌کند.

رسول الله ﷺ می‌فرماید: «عامه عذاب القبر من البول» [النسائی وصحیح الجامع ۱۸۹۳].

بیشتر عذاب قبر از اِدرار و شاش انسان است، یعنی: کسیکه اِدرار و شاش خود را تمیز نمی‌کند.

## ۶- زیاد شدن عذاب کافر در قبرش با گریه کردن خانواده و خویشاوندان برای او

رسول الله ﷺ می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَزِيدُ الْكَافِرَ عَذَاباً بِبَعْضِ أَهْلِهِ عَلَيْهِ» [متفق علیه].  
وقتی اهل و خویشان کافر برای او گریه می‌کنند خداوند عذاب کافر را می‌افزاید.

## ۷- مرده در قبر به سبب گریه و زاری و شیون صدای بلند عذاب داده می‌شود

رسول الله ﷺ فرمودند: «الميت يعدَّب في قبره بما نيح عليه» [مسند الفردوس، صحيح الجامع ۱۲۱۸].  
مرده بسبب گریه و زاری و شیون بلند در قبرش عذاب داده می‌شود. [ولی اگر شخص مرده در زندگی خود وصیت کرد که برای او گریه و زاری نکنند، عذاب نخواهد دید، - والله أعلم - مراجعه شود به کتاب «أحكام الجنائز» نوشته الشيخ الألبانی ص ۲۸ - ۲۹].

## ۸- مرده در قبر به سبب بعضی از کلماتی که خانواده‌اش در باره او می‌گویند عذاب داده می‌شود

رسول الله ﷺ می‌فرماید: «ما من ميت يموت فيقوم باكيهم فيقول: واجبلاه، واسنده، أو نحو هذا إلاَّ وكلَّ به ملكان يلهزانه: أهكذا كنت» [الترمذی، صحيح الجامع ۵۶۶۴، صحيح الترغيب والترهيب].

هیچ مرده‌ای فوت نمی‌کند و خانواده و کسانی که برایش گریه می‌کنند و می‌گویند: وای بر این کوه بزرگ که از بین ما رفت، وای بر این مردی که همانند ندارد، مگر اینکه خداوند دو فرشته بر او موکل و مسلط می‌کند و او را تکان و حرکت می‌دهند و اذیت می‌کنند و می‌گویند: آیا تو چنین بودی؟

### ۹- عذاب کسیکه سخن چینی می‌کند

از عبدالله بن عباس رضی الله عنهما روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله از کنار دو قبر گذشتند و فرمودند: «إِنَّهُمَا يَعَذبان، وما يعذبان في كبير، بلى إِنَّه كبير، أما أحدهما فكان يمشي بالنميمة، وأما الآخر فكان لا يستتر من بوله» [متفق علیه]. صاحب این دو قبر عذاب می‌بینند، ولی سبب عذاب‌شان چیز بزرگی نیست، بلی بزرگ است، اما یکی از آنها سخن چینی می‌کرد، و دیگری خود را از ادرار و پیشاب تمیز نمی‌کرد.

## فصل ششم:

### پیامبران علیهم السلام و زندگی برزخ

۱- خداوند فرشته‌ای نزد قبر رسول الله صلی الله علیه و آله وکیل قرار داده است تا رسول الله صلی الله علیه و آله را خبر دهد که چه کسی بر او درود می‌فرستد، و نام شخصی را که بر او صلی الله علیه و آله درود می‌فرستد ذکر کند

رسول الله صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «أكثرُوا الصلاة عَلِيَّ، فَإِنَّ اللهَ وَكَّلَ بِي ملكاً عند قبري، فإذا صَلَّى عَلِيَّ رجل من أمتي، قال لي ذلك الملك: يا محمد إِنَّ فلان بن فلان صَلَّى عليك الساعة» [مسند الفردوس، صحيح الجامع ۱۲۱۸].

«بسیار و خیلی زیاد بر من درود و صلوات بفرستید، چون خداوند متعال فرشته‌ای را نزد قبر من معین کرده، وقتی یکی از مردان امت من بر من درود و صلوات فرستاد آن فرشته به من می‌گوید: ای محمد، فلانی فرزند فلانی در این ساعت بر تو درود و صلوات فرستاد.»

و همچنین می‌فرماید: «أكثرُوا الصلاة عَلِيَّ في يوم الجمعة، فَإِنَّه ليس يصلي عَلِيَّ أحد يوم الجمعة إلاَّ عرضت عَلِيَّ صلَّاته» [صحيح الجامع ۱۲۱۹].

روز جمعه بر من درود بسیار بفرستید، زیرا هرکس در روز جمعه بر من درود بفرستد، درود او بر من عرضه می‌شود.

### ۲- زمین اجساد انبیاء و پیامبران را نمی‌خورد

رسول الله صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «إِنَّ أفضل أيامكم يوم الجمعة، فيه خُلِقَ آدم، وفيه قُبِضَ، وفيه النّفخة، وفيه الصّعة، فأكثرُوا عَلِيَّ من الصلاة فيه، فَإِنَّ

صلاتکم معروضه علیّ، إنّ الله حرم على الأرض أن تأكل أجساد الأنبياء» [أبوداود، وابن ماجه، وصحيح الجامع ۲۲۰۸].

بهترین روزهای شما روز جمعه است، در آن روز خداوند آدم عليه السلام را آفرید، و در روز جمعه فوت کرد، و در روز جمعه فرشته در بوق (شیپور) می دمدم، و در این روز صعقه، یعنی: مردن تمامی انسانها خواهد بود، پس در این روز بر من درود و صلواتی بسیار بفرستید، چون درود و صلوات شما بر من عرضه خواهد شد، و خداوند متعال خوردن جسد انبیاء را بر زمین حرام کرده است.

### ۳- پیامبران در قبرهایشان زنده هستند

پیامبران در عالم برزخ در قبرهایشان زنده هستند اما هیچ نوع نفع و ضرری به کسی رسانیده نمی توانند.

### ۴- نماز پیامبران عليهم السلام در قبرهایشان

رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم می فرماید: «الأنبياء أحياء في قبورهم يصلون» [صحيح الجامع ۲۷۸۷].

«پیامبران در قبرهایشان زنده هستند و نماز می خوانند».

و فرمودند: «مررت ليلة أُسري بي على موسى قائماً يصلي في قبره» [مسلم وغيره].

شب إسرائ از کنار موسی عليه السلام گذشتم او در قبرش ایستاده بود و نماز می خواند. ملاقات رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم با آدم و یحیی و عیسی و یوسف و إدريس و هارون و موسی و ابراهیم عليهم السلام.

گریه کردن موسی عليه السلام در برزخ بخاطر اینکه محمد صلى الله عليه وآله وسلم از او بهتر است و بر او برتری دارد.

نصیحت موسیٰ علیهما السلام به رسول الله ﷺ تا اینکه از خداوند در نمازهایی که بر بندگان خود فرض کرده است تخفیف بطلبد.

[زیرا نمازهای پنجگانه، پنجاه رکعت بود که خداوند متعال با درخواست رسول الله ﷺ آن را به هیفده رکعت در هر شبانه روز تخفیف داد، ولی ثواب آن همان پنجاه رکعت می باشد].

عن مالك بن صعصعة رضي الله عنه عن رسول الله ﷺ أنه قال: «بينما أنا في الحطيم مضطجعاً، إذ أتاني آتٍ فقد ما بين هذه إلى هذه فاستخرج قلبي، ثم أتيت بطستٍ من ذهبٍ مملوءةٍ إيماناً، فغسل قلبي بماء زمزم، ثم حشيتُ، ثم أعيدتُ، ثم أتيت بدابةٍ دون البغل وفوق الحمار أبيض، يقال له البراق، يضع خطوة عند أقصى طرفه، فحُمِلْتُ عليه، فانطلق بي جبريل حتى أتى السماء الدنيا، فاستفتح، قيل: من هذا؟ قال: جبريل، قيل: ومن معك؟ قال: محمد، قيل: وقد أرسل إليه؟ قال: نعم، قيل: مرحباً به، فنعم المجيء جاء، ففتح، فلما خلصتُ فإذا فيها آدم، فقال: هذا أبوك آدم، فسلم عليه، فسلمتُ عليه، فردّ السلام، ثم قال: مرحباً بالنبی الصالح، والابن الصالح.

ثم صعد بي حتى أتى السماء الثانية، فاستفتح، فقيل: من هذا؟ قال: جبريل، قيل: ومن معك؟ قال: محمد، قيل: وقد أرسل إليه؟ قال: نعم، قيل: مرحباً به، فنعم المجيء جاء ففتح، فلما خلصتُ إذا يحيى وعيسى، وهما أبناء الحالة، قال: هذا يحيى وعيسى، فسلم عليهما، فسلمتُ، فردّا، ثم قالوا: مرحباً بالأخ الصالح، والنبی الصالح.

ثم صعد بي إلى السماء الثالثة، فاستفتح، قيل: من هذا؟ قال: جبريل، قيل: ومن معك؟ قال: محمد، قيل: وقد أرسل إليه؟ قال: نعم، قيل: مرحباً به، فنعم

المجيء جاء، ففتح، فلما خلصتُ إذا بيوسف، قال: هذا يوسف، فسلم عليه، فسلمتُ عليه، فردّ، ثم قال: مرحباً بالأخ الصالح، والنبي الصالح.

ثم صعد بي حتى أتى السماء الرابعة، فاستفتح، قيل: من هذا؟ قال: جبريل، قيل: ومن معك، قال: محمد، قيل: وقد أرسل إليه؟ قال: نعم، قيل: مرحباً به، فنعم المجيء جاء، ففتح، فلما خلصتُ إذا إدريس، قال: هذا إدريس، فسلم عليه، فسلمتُ، فردّ، ثم قال: مرحباً بالأخ الصالح، والنبي الصالح.

ثم صعد بي السماء الخامسة، فاستفتح، قيل: من هذا؟ قال: جبريل، قيل: ومن معك؟ قال: محمد، قيل: وقد أرسل إليه؟ قال: نعم، قيل: مرحباً به، فنعم المجيء جاء، فلما خلصتُ إلى هارون، قال: هذا هارون، فسلم عليه، فسلمت، عليه، فردّ، ثم قال: مرحباً بالأخ الصالح، والنبي الصالح.

ثم صعد بي إلى السماء السادسة، فاستفتح، قيل: من هذا؟ قال: جبريل، قيل: ومن معك؟ قال: محمد، قيل: وقد أرسل إليه؟ قال: نعم، قيل: مرحباً به، فنعم المجيء جاء، فلما خلصتُ فإذا موسى، قال: هذا موسى، فسلم عليه، فسلمت عليه، فردّ، ثم قال: مرحباً بالأخ الصالح، والنبي الصالح، فلما تجاوزت بكى، قيل له: ما يبكيك؟ قال: أبكي لأنّ غلاماً بُعثَ بعدي يدخل الجنة من أمته أكثر ممن يدخل من أمتي.

ثم صعد بي إلى السماء السابعة، فاستفتح، قيل: من هذا؟ قال: جبريل، قيل: ومن معك؟ قال: محمد، قيل: وقد بُعثَ إليه؟ قال: نعم، قيل: مرحباً به، فنعم المجيء جاء، فلما خلصتُ إذا إبراهيم، قال: هذا أبوك إبراهيم، فسلم عليه، فسلمتُ عليه، فردّ السلام، فقال: مرحباً بالابن الصالح، والنبي الصالح.

ثم رُفعتُ لي سدرة المنتهى، فإذا نبقها مثل قلال هجر، وإذا ورقها مثل آذان الفيلة، قال: هذه سدرة المنتهى، وإذا أربعة أنهار، نهران باطنان، ونهران



ظاهران، قلت: ما هذان یا جبریل؟ قال: أما الباطنان فنهراں فی الجنة، وأما الظاهراں فالنیل والفرات.

ثم رُفِعَ لي البيت المعمور، فقلت: یا جبریل: ما هذا؟ قال: هذا البيت المعمور، يدخله كل يوم سبعون ألف ملك، إذا خرجوا منه لم يعودوا إليه آخر ما عليهم، ثم أتيتُ بإناء من خمر، وإناء من لبن، وإناء من عسل، فأخذتُ اللبن، فقال: هي الفطرة التي أنت عليها وأمتك.

ثم فُرِضَ عليّ خمسون صلاة كل يوم، فرجعتُ فمررتُ على موسى، فقال: بِمِ أُمِرْتِ؟ قلت: أُمِرْتُ بِخَمْسِينَ صَلَاةً كُلَّ يَوْمٍ، قَالَ: إِنَّ أُمَّتَكَ لَا تَسْتَطِيعُ خَمْسِينَ صَلَاةً كُلَّ يَوْمٍ، وَإِنِّي وَاللَّهِ قَدْ جَرَّبْتُ النَّاسَ قَبْلَكَ، وَعَالَجْتُ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَشَدَّ الْمَعَالِجَةِ، فَارْجِعِي إِلَى رَبِّكَ فَسَلِّهِ التَّخْفِيفَ لِأُمَّتِكَ، فَرَجَعْتُ، فَوَضَعْتُ عَنِّي عَشْرًا، فَرَجَعْتُ إِلَى مُوسَى، فَقَالَ مِثْلَهُ، فَوَضَعْتُ عَنِّي عَشْرًا، فَرَجَعْتُ إِلَى مُوسَى، فَقَالَ مِثْلَهُ، فَرَجَعْتُ فَوَضَعْتُ عَنِّي عَشْرًا، فَارْجِعِي إِلَى رَبِّكَ فَسَلِّهِ التَّخْفِيفَ لِأُمَّتِكَ، قَالَتْ: سَأَلْتُ رَبِّي حَتَّى اسْتَحْيَيْتُ مِنْهُ، وَلَكِنْ أَرْضَى وَأُسَلِّمُ، فَلَمَّا جَاوَزْتُ نَادَانِي مَنَادٌ أَمْضِيْتُ فَرِيضَتِي وَخَفَفْتُ عَنْ عِبَادِي [متفق عليه، وأحمد والنسائي].

«از مالک بن صعصعه رضی اللہ عنہ روایت است کہ رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: در حالیکه زیر سایه دیوار کعبه بر پهلوی خود خوابیده بودم، ولی در خواب نبودم، فرشته‌ای آمد و سینهام را شکافت و قلبم را بیرون آورد، و طشت طلائی که در آن پر از ایمان بود

آورده شد، پس قلبم را با آب زمزم شستشو داده پر از ایمان کرد، و آن را بسینه‌ام برگرداند، سپس حیوانی سفید رنگ کوچکتر از قاطر و بزرگتر از خر (الاغ) که که آن را براق می‌نامند آورده شد، هر گامی که بر می‌داشت اندازه آن تا چشم می‌بیند با هم فاصله داشت، بر آن سوار شدم و جبریل مرا برد تا اینکه به آسمان دنیا رسیدیم، و از دربان خواست تا در را باز کند، آنان گفتند: چه کسی هستی؟ گفت: من جبریل هستم، گفتند: چه کسی با تو است؟ گفت: محمد، گفتند: آیا مبعوث و فرستاده شده؟ گفت: بلی، گفتند: خوش آمد، بهترین کسی است که آمد، پس در را باز کردند، وقتی بالا رفتم آدم عليه السلام را دیدم، جبریل گفت: این پدر تو آدم است، به او سلام کن، به او سلام کردم، و جواب سلام را داد، سپس گفت: ای پیامبر صالح و فرزند نیک خوش آمدی.

سپس مرا بالا برد تا اینکه به آسمان دوم رسیدیم، و از آنان خواست تا در را باز کنند، گفتند: چه کسی هستی؟ گفت: جبریل، گفتند: چه کسی با تو است؟ گفت: محمد، گفتند: آیا مبعوث شده؟ گفت: بلی، گفتند: خوش آمد، بهترین کسی است که آمد، و در را باز کردند، وقتی بالا رفتم، یحیی و عیسی دو پسر خاله را دیدم، گفت: این یحیی و عیسی هستند، بر آنها سلام کن، بر آنها سلام کردم، و جواب سلام را دادند، سپس گفتند: برادر نیکوکار و پیامبر صالح خوش آمدی.

سپس مرا بطرف آسمان سوم بالا برد، و طلب باز کردن در شد، گفتند: چه کسی هستی؟ گفت: جبریل، گفتند: و چه کسی با تو است؟ گفت: محمد، گفتند: آیا مبعوث شده؟ گفت: بلی، گفتند: خوش آمد، بهترین کسی است که آمد، و در را باز شد، وقتی بالا رفتم، یوسف را دیدم، گفت: این یوسف است، بر او سلام کن، پس بر او سلام کردم، جواب سلام را داد، و گفت: برادر نکوکار و پیامبر صالح خوش آمدی.

سپس مرا بالا برد تا اینکه به آسمان چهارم رسیدیم، و طلب باز کردن در شد، گفتند: چه کسی هستی؟ گفت: جبریل، گفتند: و چه کسی با تو است؟ گفت: محمد، گفتند: آیا مبعوث شده؟ گفت: بلی، گفتند: خوش آمد، بهترین کسی است که آمد، و در باز شد، وقتی بالا رفتم ادریس را دیدم، گفت: این ادریس است، بر او سلام کن، بر او سلام کردم، او جواب سلامم را داد، سپس گفت: برادر نکوکار و پیامبر صالح خوش آمدی.

سپس مرا بالا برد تا اینکه به آسمان پنجم رسیدیم، و طلب باز کردن در شد، گفتند: چه کسی هستی؟ گفت: جبریل، گفتند: و چه کسی با تو است؟ گفت: محمد، گفتند: آیا مبعوث شده؟ گفت: بلی، گفتند: خوش آمد، بهترین کسی است که آمد، و وقتی بطرف هارون رفتم، گفت: این هارون است، بر او سلام کن، بر او سلام کردم، و او جواب سلامم را داد، سپس گفت: برادر نکوکار و پیامبر صالح خوش آمدی.

سپس مرا بطرف آسمان ششم بالا برد، و طلب باز کردن در شد، گفتند: چه کسی هستی؟ گفت: جبریل، گفتند: و چه کسی با تو است؟ گفت: محمد، گفتند: آیا مبعوث شده؟ گفت: بلی، گفتند: خوش آمد، بهترین کسی است که آمد، و در باز شد، وقتی بالا رفتم موسی را دیدم، گفت: این موسی است، بر او سلام کن، بر او سلام کردم، و او جواب سلامم را داد، سپس گفت: برادر نکوکار و پیامبر صالح خوش آمدی.

و وقتی از او عبور کرده و گذشتم، گریه کرد، گفتند: چه چیز تو را به گریه انداخت؟ گفت: گریه می‌کنم، زیرا پیامبری بعد از من مبعوث شده که از امت و پیروان او بیشتر از امت و پیروان من داخل بهشت خواهند شد.

سپس مرا بطرف آسمان هفتم بالا برد، و طلب باز کردن در شد، گفتند: چه کسی هستی؟ گفت: جبریل، گفتند: و چه کسی با تو است؟ گفت: محمد، گفتند: آیا

مبعوث شده؟ گفت: بلی، گفتند: خوش آمد، بهترین کسی است که آمد، و در باز شد، وقتی بالا رفتم ابراهیم را دیدم، گفت: این پدر تو ابراهیم است، بر او سلام کن، بر او سلام کردم، و او جواب سلامم را داد، و گفت: فرزند نکوکار و پیامبر صالح خوش آمدی.

پس بر من سدرۃ المنتهی (یعنی: درخت کنار) بهشت کشف و آشکار شد، و ثمره آن را دیدم که مانند کوزه آب است که در شهر هجر (یکی از شهرهای نزدیکی مدینه منوره)، وجود دارد، یعنی بزرگ و برگ‌های آن از بزرگی مانند گوش‌های فیل است، گفت: این سدرۃ المنتهی است، و چهار رودخانه را دیدم، دو رودخانه مخفی، و دو رودخانه آشکار و ظاهر بود، گفتم: ای جبریل؟ این دو چیست؟ گفت: اما دو رود مخفی، دو رود در جنت است، و اما دو رود آشکار و ظاهر، دو رود نیل و فرات است، یعنی: آنکه در بهشت می‌باشد.

سپس بر من بیت المعمور آشکار شد، یعنی: خانه معمور، گفتم: ای جبریل این چیست؟ گفت: این بیت المعمور است (یعنی: خانه‌ای که خداوند در آن همه چیزهاییکه در دنیا رخ خواهد داد نوشته است)، و در هر روز (۷۰/۰۰۰) فرشته داخل آن می‌شوند و وقتی خارج شدند دوباره به آن باز نخواهند گشت.

سپس ظرفی از شراب، یعنی: عرق، و ظرفی از شیر، و ظرفی از عسل برایم آوردند، ظرف شیر را برداشتم، جبریل گفت: این فطرتی است که تو و امت تو بر آن هستید.

سپس بر من (۵۰) نماز در هر شبانه روز فرض شد، و در حال برگشتن به زمین از کنار موسی عليه السلام گذشتم، موسی گفت: چه دستوری بتو داده شده است؟ گفتم: دستور پنجاه نماز در هر شبانه روز به من داده شده است، موسی گفت: امت تو استطاعت (۵۰) نماز را ندارند، و بخدا سوگند که مردم را قبل از تو شناخته‌ام، و بنی اسرائیل را خیلی خوب بررسی کرده‌ام، پس بسوی پروردگارت برگرد و تقاضا کن تا

خداوند برای امت تو تخفیف دهد، من برگشتم، خداوند ده تای آنها را کم کرد، و بسوی موسی برگشتم، موسی همان گفته قبلی خود را تکرار کرد، من برگشتم، و خداوند ده تای دیگر آن را کم کرد، و بسوی موسی برگشتم، موسی همان گفته قبلی خود را تکرار کرد، من برگشتم و خداوند ده تای دیگر آن را کم کرد، و بسوی موسی برگشتم، بار دیگر حضرت موسی همان سخنش را تکرار کرد، من برگشتم و خداوند ده تای دیگر را نیز کم کرد، و دستور ده نماز در شبانه روز به من داده شد، پس برگشتم، موسی باز همان سخن خود را تکرار کرد، من برگشتم و در شبانه روز به پنج نماز دستور داده شدم، بار دیگر بسوی موسی برگشتم، موسی گفت: بتوجه دستوری داده شده است؟ گفتم: بخواندن پنج نماز در شبانه روز دستور داده شده‌ام، موسی گفت: امت تو استطاعت پنج نماز را ندارند، و من مردم را قبل از تو تجربه کرده‌ام، و بنی اسرائیل را خوب بررسی نموده‌ام، پس بسوی پروردگارت برگرد و برای امت خود طلب تخفیف کن، گفتم: من آنقدر از خدا سؤال تخفیف کرده‌ام که از او حیا و شرم دارم، بیشتر از این سؤال نمی‌کنم، به همین راضی و تسلیم هستم، هنگامی که از موسی گذشتم منادی مرا صدا زد و فرمود: فریضه‌هایم را تنفیذ و تمام کرده و برای بندگانم تخفیف دادم.



## فصل هفتم:

### آنچه مرده بعد از وفات، از آن ثمره و ثواب و پاداش می برد

#### ۱- نماز بر میت:

رسول الله ﷺ می فرماید: «ما من میت یتصلی علیه أمة من المسلمین یبلغون أن یتکونوا مائة، فیشفعون له، إلا شفعوا فیه» [مسلم وغیره].  
«هر مرده ای که گروهی از مسلمانان بر او نماز بخوانند بطوریکه تعداد آنها بصد نفر برسد و برای او طلب شفاعت کنند، خداوند طلب شفاعت آنها را می پذیرد».  
و همچنین فرمودند: «ما من میت یتصلی علیه أمة من التّاس إلا شفعوا فیه» [النسائی، وصحیح الجامع ۵۶۶۳].  
«هر میتی که بر او جمعی از مردم نماز بخوانند، شفاعت آنها در مورد او پذیرفته می شود».

#### ۲- اُنس و اُلّت گرفتن مرده به برادرش بعد از دفن، به اندازه کشتن شتری و تقسیم گوشت آن.

و دلیل این را قبلاً در قول عمرو بن العاص رضی الله عنه ذکر کردیم که گفت: وقتی مرا دفن کردید دور قبرم به اندازه ای که شتری را ذبح کرده و گوشت آن تقسیم شود مکث کنید، تا اینکه به شما اُنس بگیرم و ببینم چگونه رسولان خدا، یعنی: منکر و نکیر را جواب دهم.

### ۳- بعد از دفن بلافاصله برای میت دعای مغفرت و ثبات بکنیم

از عثمان بن عفان رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله وقتی از دفن میت فارغ می شدند آنجا ایستاده و می فرمودند: «استغفروا لأخیکم وسلوا له التثبیت، فإنَّه الآن یسأل» [أبوداود، وصحیح الجامع ۹۵۶].

برای برادران استغفار کنید، و از خداوند برای او تثبیت قول حق بطلبید، زیرا الآن از او سؤال خواهد شد.

### ۴- صدقه جاریه ای که در زندگی خود وقتی در دنیا بوده انفاق کرده باشد، و علم و دانشی که به مردم یاد داده باشد، و فرزند صالح و نیکوکاری که برایش دعا کند

رسول الله صلی الله علیه و آله می فرماید: «إذا مات الإنسان انقطع عمله إلا من ثلاث: صدقة جاریه، أو علم ینتفع به، أو ولد صالح یدعوله» [مسلم].  
«وقتی انسان دنیا را وداع می گوید عمل او قطع می شود بجز از سه چیز: صدقه جاریه، یا علم و دانشی که از آن نفع برده شود، و یا فرزند صالح و نیکوکاری که برایش دعا کند».

### ۵- صدقه ای که از طرف فرزند است.

عایشه رضی الله عنها روایت می کند که مردی به رسول الله صلی الله علیه و آله گفت: «إنَّ أُمَّی أفتلتت نفسها ولا أراها لو تکلمت صدقت، فهل لها من أجر إن تصدقت عنها؟ قال: «نعم» [متفق علیه].

«مادرم فوت کرده و حرف نزده است، و فکر می کنم اگر حرف می زد صدقه می داد، اگر من برایش صدقه کنم اجر و صدقه به او می رسد؟ فرمود: بلی».



## ۶- دعا و استغفار کردن تمامی مسلمانان برای مرده

چنانکه خداوند می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ...﴾ [الحشر: ۱۰].

«(همچنین) کسانی که بعد از آنها (مهاجران و انصار) آمدند و می‌گویند: پروردگارا! ما و برادرانمان را که در ایمان بر ما پیشی گرفتند بیامرز.»

و رسول الله ﷺ می‌فرماید: «من استغفر للمؤمنين وللمؤمنات، كتب الله له بكل مؤمن ومؤمنة حسنة» [الطبرانی فی الکبیر، وصحیح الجامع ۵۹۰۲].

«هرکس برای مؤمنان استغفار کند، خداوند برایش به تعداد زن و مرد مسلمان اجر و پاداش می‌نویسد.»

## ۷- زندگی در مرزهای اسلامی (سنگر) در راه خدا

رسول الله ﷺ می‌فرماید: «كل ميت يختم على عمله إلا المرابط في سبيل الله، فإنه ينمي له عمله إلى يوم القيامة، ويؤمن فتنة القبر» [أبوداود، الترمذی].

«هر میتى با مردنش عمل و کردار او پایان می‌یابد، بجز مرابط و کسی که در سنگر جهاد در راه خداست، که عمل و کردار او تا روز قیامت رشد و نمو کرده و زیاد می‌شود، و از فتنه و عذاب قبر نجات می‌یابد.»



## فصل هشتم:

### آنچه سبب می‌شود، تا از عذاب قبر نجات یابد

#### ۱- شهید شدن در میدان جنگ

رسول الله ﷺ می‌فرماید: «لشَّهِيدٍ عِنْدَ اللَّهِ سِتُّ خِصَالٍ: يُغْفَرُ لَهُ فِي أَوَّلِ دَفْعَةٍ مِنْ دَمِهِ، وَيُرَى مَقْعَدَهُ مِنَ الْجَنَّةِ، وَيَجَارُ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَيَأْمَنُ الْفَرْعَ الْأَكْبَرَ، وَيَحِلُّ حَلِيَّةَ الْإِيمَانِ، وَيَزُوجُ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ، وَيَشْفَعُ فِي سَبْعِينَ إِنْسَانًا مِنْ أَقْرَابِهِ» [الترمذی، وابن ماجه، وأحمد، وأحكام الجنائز ص ۳۵ - ۳۶].

«شهید نزد خداوند شش ویژگی دارد: با اولین قطره خون او گناهانش بخشیده می‌شود، جایگاه خود را در بهشت می‌بیند، از عذاب قبر نجات می‌یابد، از وحشت بزرگ قبر در امان است، به زیور ایمان آراسته می‌شود، با حور عین ازدواج داده می‌شود، شفاعت او درباره هفتاد تن از خویشاوندانش پذیرفته می‌شود».

و مردی از یاران پیامبر ﷺ روایت می‌کند که مردی به نزد رسول الله ﷺ آمد و گفت: چرا مؤمنان بر آنان فتنه قبر نازل می‌شود، بجز شهید؟ فرمود: «کفی ببارقة السيوف على رأسه فتنه» [النسائي، وأحكام الجنائز ص ۳۶].

«برای آزمایش او برق‌های شمشیری که بالای سر او بوده کافی است».

#### ۲- مرزداری در سنگرهای جهاد:

رسول الله ﷺ می‌فرماید: «رباط يوم وليلة خير من صيام شهر وقيامه، وإن مات فيه أجري عليه عمله الذي كان يعمل، وأجرى عليه رزقه، وأمن الفتان» [مسلم].

«سنگر گرفتن یک شبانه روز در راه خدا از روزه گرفتن یکماه و زنده نگهداشتن شب‌های آن بهتر است، و اگر کشته شد ثواب و اجر عملی که انجام می‌داده و رزق او برایش تا روز قیامت نوشته می‌شود، و از عذاب قبر در امان بوده و نجات خواهد یافت».

و همچنین می‌فرماید: «کل میت یختم علی عمله إلا المرابط فی سبیل الله، فَإِنَّهُ یَنمی له عمله إلى یوم القیامة، ویؤمن فتنة القبر» [مسلم].  
 «هر مرده‌ای با مردن او عملش پایان می‌یابد، بجز سنگردار و مرابط در راه خدا، بلکه عمل او تا روز قیامت زیاد و افزایش یافته، و از عذاب قبر نجات می‌یابد».

### ۳- مردن بسبب مرض شکم:

از عبدالله بن یسار روایت است که گفت: من با سلیمان بن سرد و خالد بن عرفطه نشسته بودم، آنها گفتند: مردی بسبب شکم درد فوت کرد، و فهمیدم که این دو نفر می‌خواهند در تشییع جنازه آنمرد شرکت کنند، پس یکی از آنها بدیگری گفت: آیا رسول الله ﷺ فرمودند: «من یقتله بطنه فلن یعذب فی قبره؟» فقال الآخر: بلی، - وفي رواية - صدقت [الترمذی، أحكام الجنائز ص ۳۸، وغیره].  
 «کسیکه شکم درد او را بکشد در قبرش عذاب داده نمی‌شود؟ دیگری گفت: بلی، و در روایت دیگر آمده که شخص دومی گفت: راست گفتی».

### ۴- خواندن سوره تبارک:

رسول الله ﷺ فرمودند: «سورة تبارك هي المانعة من عذاب القبر» [صحیح الجامع ۳۵۳۷].  
 «خواندن سوره تبارک از عذاب قبر جلوگیری می‌کند».

## ۵- مردن شب یا روز جمعه:

رسول الله ﷺ فرمودند: «ما من مسلم يموت يوم الجمعة أو ليلة الجمعة إلا وقاه الله تعالى فتنة القبر» [أحمد، والترمذی، وصحیح الجامع ۵۶۴۹].

«هیچ مسلمانی روز یا شب جمعه از دنیا نمی‌رود مگر اینکه خداوند او را از فتنه قبر حفظ می‌کند».



## پایان:

### زندگی روزمره اسلامی

- ۱- آیا نماز صبح را هر روز با جماعت در مسجد ادا می‌کنی؟
- ۲- آیا بر تمام نمازهایت با جماعت در مسجد محافظت می‌کنی؟
- ۳- آیا امروز چیزی از قرآن را خوانده‌ای؟
- ۴- آیا بر اذکار و اوراد بعد از هر نماز مواظبت می‌کنی؟
- ۵- آیا بر سنت‌های راتبه قبل و بعد از هر نماز محافظت می‌کنی؟
- ۶- آیا امروز در نماز خاشع و خاضع بودی و می‌دانستی چه می‌خوانی؟
- ۷- آیا امروز مرگ و قبر را بخاطر آوردی؟
- ۸- یا آخرت و روز قیامت و احوال و سختی‌های آن را بیاد آوردی؟
- ۹- آیا از خداوند سه بار مسئلت کرده‌ای تا تو را به بهشت داخل کند؟ زیرا کسیکه از خدا سه بار مسئلت کند تا او را به بهشت داخل کند، بهشت گوید: بار الهی او را به بهشت داخل کن<sup>(۱)</sup>.
- ۱۰- آیا سه بار بخدا از آتش جهنم پناه خواسته‌ای؟ زیرا هر کس این را انجام دهد، آتش جهنم گوید: بار الهی او را از جهنم نجات بده [در پاورقی سابق ذکر شد].

---

۱- زیرا رسول الله ﷺ فرمودند: «من سأل الله الجنة ثلاث مرات، قالت الجنة: اللهم أدخله الجنة، ومن استجار من النار ثلاث مرات، قالت النار: اللهم أجره من النار» [الترمذي، وصحيح الجامع ۶۱۵۱]. هرکس سه بار از خدا بهشت را مسئلت نماید، بهشت گوید: خدایا او را به بهشت داخل کن، و کسیکه سه بار از دوزخ بخدا پناه ببرد، دوزخ گوید: خدایا او را از دوزخ بخود پناه ده.

- ۱۱- آیا چیزی از احادیث رسول الله ﷺ خوانده‌ای؟
- ۱۲- آیا در مورد دوری از همنشینان بد، فکر کرده‌ای؟
- ۱۳- آیا تلاش کرده‌ای تا از خنده و شوخی زیاد پرهیز کنی؟
- ۱۴- آیا امروز از ترس خدا گریه کرده‌ای؟
- ۱۵- آیا اذکار صبح و عصر را خوانده‌ای؟
- ۱۶- آیا امروز از گناهات استغفار نموده‌ای؟
- ۱۷- آیا از خداوند با صداقت خواسته‌ای تا شهید شوی؟ زیرا رسول الله ﷺ فرمودند: «من سأل الله الشهادة بصدق، بلغه الله منازل الشهداء وإن مات على فراشه» [مسلم وغيره].
- «کسیکه از خداوند با صداقت شهادت طلب کند و بخواهد شهید شود، خداوند او را به منازل شهداء می‌رساند اگر چه بر فراش و لحاف خود بمیرد».
- ۱۸- آیا دعا کرده‌ای تا خدا قلبت را بر دین خود ثابت و استوار نگهدارد؟
- ۱۹- آیا ساعت اجابت را غنیمت شمرده‌ای و در این ساعت‌ها دعا کرده‌ای؟
- ۲۰- آیا کتاب اسلامی جدیدی خریده‌ای تا اینکه از آن امور دین بیاموزی؟
- ۲۱- آیا برای مردان و زنان مؤمن استغفار کرده‌ای، زیرا با هر استغفار برای زنان و مردان مسلمان به تعداد آنها بتو ثواب می‌رسد [مراجعه شود به ص (۷۳)].
- ۲۲- آیا بخاطر نعمت اسلام که خدا بتو عطا فرموده است سپاسگذاری کرده و حمد و ستایش او را بجا آورده‌ای؟
- ۲۳- آیا بخاطر نعمت چشم و گوش و سایر نعمت‌ها که بتو ارزانی داشته سپاسگذاری نموده‌ای؟
- ۲۴- آیا امروز به فقراء و محتاجین صدقه داده‌ای؟
- ۲۵- آیا خشم بخاطر خودت را رها کرده‌ای؟ و تلاش نموده‌ای تا بجز بخاطر خداوند در موارد دیگر خشمگین و عصبانی نشوی؟



- ۲۶- آیا از تکبر و فخر و خودخواهی پرهیز نموده‌ای؟
- ۲۷- آیا بخاطر خدا برادر دینی خود را ملاقات نموده‌ای.
- ۲۸- آیا برادر و قومان و خویشان و کسانیکه با آنها رفت و آمد داری بطرف اسلام دعوت کرده‌ای؟
- ۲۹- آیا فرمانبردار پدر و مادر بوده‌ای؟ یعنی: آیا از آنها اطاعت کرده‌ای؟
- ۳۰- آیا بتو مصیبتی وارد شده و گفته‌ای: ﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ (۱۵۶)
- [البقره: ۱۵۶]. «ما از آن خدائیم؛ و به سوی او بازمی‌گردیم!»<sup>(۱)</sup>.
- ۳۱- آیا امروز این دعا را خوانده‌ای؟
- «اللهم إني أعوذ بك أن أشرك بك وأنا أعلم، وأستغفرك لما لا أعلم، من قال ذلك أذهب الله عنه كبار الشرك وصغاره» [صحيح الجامع ۳۶۲۵].
- «خدایا! بتو پناه می‌برم از اینکه دانسته بتو شرک ورزم، و از آنچه که نمی‌دانم و انجام می‌دهم از تو طلب مغفرت و بخشش می‌طلبم».
- کسیکه این دعا را بخواند، خداوند شکر کوچک و بزرگ را از او دور می‌کند.
- وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین
- وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وعلی آله وصحبه وسلم تسلیماً کثیراً

---

۱- رسول الله ﷺ می‌فرماید: «لیسترجع أحدکم فی کل شیء، حتی فی شسع نعله، فإنها من المصائب» [راجع شود بکتاب: الکلم الطیب، تحقیق الألبانی حدیث ۱۴۰]. هر یک از شما در همه چیزها بگوید: ﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ (۱۵۶)، اگر هم در پاره شدن بند کفش او باشد، زیرا حتی این از مصیبت‌هاست که بر انسان وارد می‌شود.